

راههای پیشروی انقلاب

حمید تقوایی: تدوین شده بر مبنای مصاحبه در برنامه سازمانده در کانال جدید، صفحه ۲

MAHSA (JINA) Day

16 September

به خیابان می آییم!

در روز ۲۵ شهریور سالگرد

مهسا (ژینا) امینی



در حمایت از فراخوان "شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی" صفحه ۵

از فراخوان دادخواهان به مناسبت سالروز انقلاب زن زندگی آزادی حمایت میکنیم
صفحه ۶

از کشتار نابستان ۶۷ تا امروز

یاشار سهندی، صفحه ۱۰

نامه سرگشاده به اتحادیه اروپا: جمهوری اسلامی را بایکوت کنید! صفحه ۷

ادامه اعتراضات بیش از دو هزار کارگر ماشین سازی اراک، صفحه ۶

تجمع کارگران زغال سنگ طبرس و یک خبر دیگر صفحه ۱۵

تجمعات سراسری بازنشستگان مخابرات و اعتصاب کارگران ماشین سازی اراک

شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد، صفحه ۱۲

تجمعات اعتراضی با شکوه معلمان بازنشسته

ریسی، قالیباف، این آخرین پیامست، جنبش بازنشسته آماده قیامت، صفحه ۱۳

مدیای اجتماعی

تداوم پیروزمند جنبش های انقلابی در گرو اتحاد و سازمان یابی است!

بیانیه سه تشکل: کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، گروه اتحاد بازنشستگان، کارگران

بازنشسته خوزستان، صفحه ۱۵

(NUPGE) یکی از بزرگترین اتحادیه های کارگری کانادا حکومت اسلامی را محکوم کرد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران، صفحه ۱۶

کارگر کمونیسست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۹۵

۱۳ شهریور ۱۴۰۲

۴ سپتامبر ۲۰۲۳



دوشنبه ها منتشر میشود

مبارزات متحدانه راه
پیشروی انقلاب و مقابله با

حکومت سرکوب

مهران محبی، صفحه ۸

درد ما درد شماست مردم

به ما ملحق شوید

شهلا دانشفر، صفحه ۹

کارگران در هفته ای که

گذشت

تهیه کننده سهیلا رضوانی

صفحه ۱۱

۱۳ شهریور: تجمعات

سراسری بازنشستگان

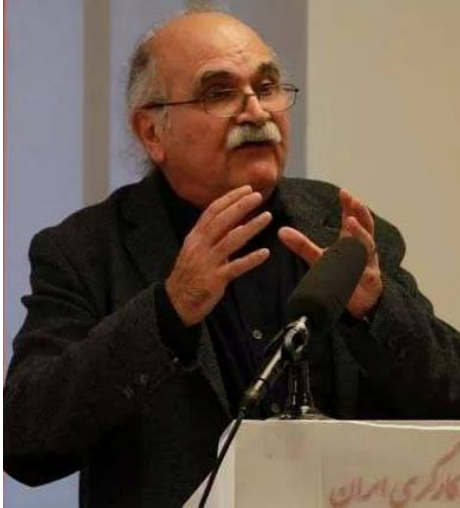
مخابرات

شاغل و بازنشسته اتحاد،

اتحاد، صفحه ۷

در نفت چه میگذرد

نوروز صادقی، صفحه ۱۴



حمید تقوایی: راهای پیشروی انقلاب

تدوین شده بر مبنای مصاحبه در برنامه سازمانده در کانال جدید

شهلا دانشفر: جامعه بسیار پر جنب و جوش است و اعتراض در بخش های مختلف جامعه گسترده است. از یک طرف حکومت سرکوب هایش را شدت داده و از طرف دیگر مردم صف اعتراض شان را سازمان یافته تر کرده اند و خودشان را برای برآمد تازه ای در سالگرد انقلاب آماده میکنند. تبیین شما از این شرایط چیست؟ به نظر شما اوضاع به کدام طرف می‌رود؟

حمید تقوایی: نکته اول این است که انقلابی که یک سال قبل آغاز شد هیچ وقت عقب ننشست، هیچوقت بر خلاف ادعای جمهوری اسلامی نه آرام گرفت، نه شکست خورد، و نه مردم مرعوب شدند. این اتفاقات نیفتاد. الان می بینیم که در ابعاد مختلفی اعتراض و مبارزه ادامه دارد. منتهی سالگرد انقلاب موقعیت ویژه ای است. موقعیت ویژه به چند معنی. یکی اینکه یکسال از شروع انقلاب گذشته و در این یک سال مردم در عرصه های زیادی به پیش رفته اند. از جمله مهمترین اش مبارزه گسترده علیه حجاب و پیروزی مردم در این عرصه است. عرصه دیگر شادی با رقص خیابانی، و در فضای مدیای اجتماعی با شکستن نرم ها و مقدسات اسلامی و متحجر و کپک زده ای است که جمهوری اسلامی تلاش کرده بود بر جامعه حاکم کند. اینها همه جا رو شده. هر روز شما ویدیو کلیپ هائی می بینید از رقص و شادی مردم و از تمسخر و دست انداختن مقدسات اسلامی و هویتی رژیم حتی در ماه محرم! مردم در برابر جانپان حاکم ایستادند و ایام مذهبی حکومت اسلامی را تبدیل کردند به روز تعرض بیشتر به حکومت.

اینها دستاوردها و پیشروی های انقلاب است. در سالگرد انقلاب این پیشرویها را باید جمع بندی کرد، اینها را باید بزرگ داشت، و باید گام های بلندتری برداشت برای پیشروی های بیشتر و این گام های بیشتر را خود شرایط امروز زمینه هایش را فراهم کرده است. سالگرد به این معنا است که زنجیره ای از بزرگداشت جان باختگان انقلاب آغاز می شود. از مهسا که روز ۲۵ شهریور بقتل رسید و به دنبال آن سالروز سارینا ها و نیکاه ها و حدیث ها و خدانورها و صدها عزیز دیگری که در این انقلاب جان باختند. مراسم این سالگردها تبدیل میشود به مراکزی برای شعله ورتور شدن بیشتر انقلاب. بیهوده نیست که جمهوری اسلامی به گورستانها یورش میدهد، سنگ مزار ها را از بین میبرد، خانواده های جانباختگان را تحت فشار قرار میدهد، دور گورستان ها حصار میکشد، و جنایتهائی دیگری از این دست. تمام این فجایع و این جنایت هایی که این چند ماه اخیر حکومت مرتکب شده، حتی به اعتراف خودشان، در هراس از اوجگیری انقلاب است. حکومتی ها به روشنی می دانند که تعرض قدرتمندی در راه است. مردم سالگردها را هم، همانطور که تا بحال نشان داده اند، تبدیل خواهند کرد به طوفانی از اعتراض. این در چشم اندازست و به این دلایل است که من فکر میکنم سالگرد انقلاب با برآمد تازه ای، با موج تازه ای از خیزش های توده ای، تجمعات و تظاهرات همراه خواهد بود به همراه اشکال مبارزاتی که فی الحال در جریان است مثل جنبش بی حجابی، اعتصابات کارگران، تجمعات بازنشستگان، اعتراضات معلمان، اعتراضات خانواده های دادخواه و غیره. اینها هم در این متن اوج جدیدی خواهند گرفت و پیشروی های بیشتری خواهند داشت.

شهلا دانشفر: همانطور که اشاره کردید جامعه در تلاطم انقلابی است. مردم با فراخوان هایشان دارند به استقبال سالگرد انقلاب میروند. خیابانها پر از شعار نویسی و اکسیون های مختلف است. بی حجابی موج میزند در خیابانها، اعتراضات خانواده های دادخواه، اعتراض حتی در زندانها و در دادگاهها، و در همه جا پیوسته ادامه دارد. در این شرایط بطور مشخص سالگرد انقلاب چه مکان و جایگاه ویژه ای در تداوم

انقلاب دارد؟

حمید تقوایی: از دو نظر سالگرد انقلاب مهم است. یکی اینکه یکسال از انقلاب میگذرد و طبعاً جامعه برمیگردد و نگاه میکند و با توجه به پیشروی ها و تجربیاتی که تا کنون داشته قدم های بعدی را تلاش میکند به جلو بردارد.

از طرف دیگر خود سالگرد امکانات، فرصت ها، شرایط مساعدی ایجاد میکند برای پیشروی های بیشتر. به این خاطر است که امروز تشکل ها، دست اندرکاران، چهره ها، و فعالین جنبشهای اعتراضی مختلف همه دارند فراخوان میدهند، همه دارند بیانییه میدهند و همه دارند به نوعی خودشان را آماده میکنند، تدارک عملی میبینند برای اینکه سالگرد انقلاب را تبدیل کنند به یک نقطه اوج تازه.

هرچه حکومت بیشتر دست و پا میزند و تقلا می کند و بیشتر سعی می کند جلوی این حرکت را بگیرد، برعکس، آتش خشم مردم را تند تر میکند، نفرت و خشم جامعه از خودش را بالاتر میبرد و استیصال و درماندگی خودش را نشان میدهد. در اوج همین تهاجم حکومت است که شما می بینید کسی مثل سپیده قلیان چطور سرفراز در دادگاه می ایستد و در واقع به صورت جمهوری اسلامی تف می اندازد. در همین شرایط است که می بینید چطور خانواده های جانباختگان با قدرت به میدان میآیند و میگویند ایستاده ایم تا پایان. بیانییه میدهند و اعلام میکنند ما حرفی با حکومت نداریم بجز "قسم به خون یاران ایستاده ایم تا پایان".

این روحیه جامعه است؛ این مضمون فراخوان ها و بیانییه ها و شعارهایی است که الان دارند فعالین در عرصه های مختلف، جوانان انقلابی، دانشجویان، خانواده های جان باختگان، بازنشستگان و معلمان و حتی زندانیان سیاسی و کسانی که تحت تعقیب هستند مطرح میکنند. کارگران نیز دارند خودشان را آماده می کنند و همه بخش های جامعه به این ترتیب دست اندرکار تداوم انقلاب هستند.

نکته مهم این است که انقلاب در یکسال اخیر متعین شده و به خودش شکل داده. شرایط نسبت به یک سال قبل بسیار تغییر کرده است.

اولا الان دیگر همه میدانند این یک عصیان و یا شورش مقطعی نیست، بلکه یک انقلاب سراسری ادامه دار است. خود فعالین اعلام کردند این دیگر اعتراض نیست این انقلاب است و اعلام میکنند که ایستاده ایم تا پایان! یعنی این انقلاب را ادامه خواهیم داد تا پیروزی.

ثانیا انقلاب در یکسال اخیر به خودش سازمان داده است. در یک سطح سراسری نهادها و سازمانهای مبارزاتی که از قبل فعال بوده اند، نظیر شورای هماهنگی

راههای پیشروی ...

از صفحه ۲

خدماتی است. همچنین شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان به یک نهاد معتبر و موثر در جنبش معلمان تبدیل شده است؛ جوانان در تیم های مختلف و به هم پیوسته ای در "شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی" سازمان یافته اند، و در بسیاری از شهرها این شبکه فعال است. جنبش دادخواهی نیز خودش را سازمان داده و عملا از مادران خاوران و مادران آبان فراتر رفته است. اکنون اعتراضات خانواده جان باختگان انقلاب جاری نیز جزئی از این جنبش محسوب میشود.

این ها همه اشکال سازمانی متعددی است که در جامعه وجود دارد. اولین فراخوان ما این است که به این تشکل ها بپیوندید. اینها بعضا تشکل های سر برآورده از انقلاب هستند و بعضا تشکل های سابقه داری که از قبل فعالیت می کردند. بخشی از همین تشکل های تازه و با سابقه بودند که در کنار هم منشور ۱۲ ماده ای را منتشر کردند. در یک کلام جامعه در سطح وسیعی از این امکان برخوردار است که سازمان یافته تر و گسترده تر و متشکل تر به میدان بیاید. اولین فراخوان ما اینست.

فراخوان بعدی این است که پرچم معینی بلند کنید. پیشنهاد ما حمایت همه جانبه از منشور ۲۰ تشکل است. این منشور ۱۲ ماده ای به صورت شفاف و ریشه ای و رادیکال خواستهای انقلاب، تقریبا همه بخش های جامعه را، اعلام کرده است. فراخوان ما این است که در سالگرد انقلاب به این منشور بپیوندید. بسیاری از چهره ها و نهادها و سازمانها و احزاب تا کنون از این منشور حمایت کرده اند. ولی لازمست خیلی گسترده تر، صریح تر و مستقیم تر از این منشور دفاع کرد. پیام من به فعالین اینست که در بیانیه ها و فراخوانهای سالگرد انقلاب این منشور را مطرح کنید و حمایت همه جانبه خود را از آن اعلام کنید. همچنین است منشور مطالبات پیش روی زنان که آن هم خیلی جامع خواستهای زنان را بیان کرده. بخصوص فراخوان من به جنبش آزادی زن و جنبش بی حجابی این است که پرچم این منشور را بلند کنند. این گام بعدی است که میتواند به جلو برداشته شود.

و بالاخره امر مهم دیگر برقراری ارتباط و تلاش برای پیشبرد سیاستهای حزب ما است. من از همه فعالین دعوت میکنم، آنها را فرا می خوانم که سیاستهای حزب را دنبال کنید، با ما تماس بگیرید، با کمیته سازمانده تماس بگیرید و به حزب بپیوندید. حزب ما از مدتها قبل پرچم انقلاب را بلند کرده است.. حزبی است که برای شکل گیری انقلاب مبارزه کرده، تدارک دیده، در یک سال گذشته با تمام قوا فعال بوده و از همه اکتیویستها و فعالین در جنبش کارگری، دانشجویی، زنان، جنبش دادخواهی و بخش های دیگر جامعه می خواهد که به حزب خودتان بپیوندید.

شهلا دانشفر: امروز گفتمان عمومی مردم این است که به عقب برنمی گردیم. این عزم راسخ جامعه است برای پیروزی رساندن این انقلاب. بخشهای فعال جامعه خانواده های دادخواه هستند، زنان هستند بعنوان یک رکن مهم انقلاب، جوانان هستند، دانشجویان هستند، کارگران هستند، بازنشستگان هستند، معلمان و حتی زندانیان سیاسی. مشخصا رو به هر بخش شما چه تاکیداتی دارید؟

حمید تقوایی: قبل از هر چیز در یک سطح عمومی خطاب من به همه بخشهایی که برشمردید اینست که دست در دست هم بگذارید. منظورم این است که فعالین مثلا جنبش دادخواهی، فعالین جنبش کارگری، فعالین جنبش دانشجویی، جنبش زنان، معلمان و بازنشستگان و غیره در کنار هم ظاهر شوند و کیفرخواست و بیانیه و فراخوان مشترک بدهند. این خیلی مهم است چون خواسته ها، اهداف و مضمون مبارزات یکسان است. همه جامعه یک خواست و هدف اعلام شده دارد و آن هم خلاصی از شر جمهوری اسلامی است. حتی خواستهای مشخص هم سراسری است مثل لغو حجاب اجباری و لغو آپارتاید جنسی، و کلا در هم کوبیدن این بختک اسلامی که بر سر جامعه سنگینی میکند. مردم از جمله در محرم نشان دادند که چطور دارند این بختک اسلامی و این تابوها و مقدسات حکومتی را بجالش

تشکلهای صنفی معلمان و شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت، و همچنین شبکه ای از فعالین که در دل انقلاب جاری شکل گرفته اند، مثل شبکه بیش از ۵۰ تشکل و نهاد جوانان و دانشجویان که اکنون تحت نام شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی فعالیت میکند، بمیدان آمده اند و اعتراضات را سازمان میدهند. انقلاب در سطح وسیعی سازمان یافته و متشکل شده است.

ثالثا نکته مهم دیگر اینکه انقلاب اکنون منشور و مانیفست و پلاتفرم پیدا کرده است. مثل منشور ۱۲ ماده ای ۲۰ تشکل؛ یا منشور مطالبات پیشروی زنان. مثل بسیاری از بیانیه هائی که دادخواهان و با شبکه جوانان انقلابی در ایران داده اند و الان هم دارند مطرح میکنند. انقلاب به این ترتیب زبان و پرچم مشخص خودش را دارد. شفاف روشن خواسته هایش را اعلام کرده و متشکل شده و بنابراین الان با یک سرمایه مبارزاتی و با قدرت خیلی بیشتری از شهریور سال گذشته به میدان می آید. انقلاب با یک انفجار شروع شد در اعتراض به قتل مهسا و بعد این انفجار به خود شکل داد، متعین شد، سازمان پیدا کرد، پرچم پیدا کرد، خواسته هایش را اعلام کرد و به این ترتیب ما با قدرت بیشتری، با آمادگی بیشتری، با تدارک و سازمان یابی خیلی بیشتری به استقبال سال دوم انقلاب میرویم.

همه این ها این افق امیدبخشی را جلوی جامعه میگذازد و نشان میدهد که میتوانیم با قدرت به پیش برویم و جمهوری اسلامی را به زیر بکشیم. این حکومت رو به سقوط است و تمام دست و پا زدن هایش و تقلا هایش بیشتر آن را تضعیف میکند و سقوطش را در چشم انداز قرار میدهد.

شهلا دانشفر: همانطور که اشاره شد فراخوان های گسترده ای در سالگرد انقلاب منتشر شده. چه به صورت میدانی و چه به صورت بیانیه های اعتراضی و کیفرخواست ها و فراخوانهای مشخص. شما در این مورد چه نظر و رهنمودی دارید؟

حمید تقوایی: نکته اول این است که هر چه بیشتر متشکل شویم: در سطح محلات، در سطح کارخانه ها، در سطح دانشگاه ها و در شبکه های شهری و سراسری. همانطور که گفتم تشکل هایی فی الحال ایجاد شده، به این تشکلهای بپیوندیم. فعالیت فردی باید جای خودش را بدهد به فعالیت تیمی، فعالیت مشترک، فعالیت سازمان یافته. بخش زیادی از فعالین هستند که هنوز متشکل نشده اند ولی تشکلهائی که میتوان به آن پیوست در سطوح و عرصه های مختلف وجود دارد. آنجا هم که وجود ندارد، در محلات و یا کارخانه ها و در مراکز دیگر، فعالین و پیشروان انقلاب و دست اندرکاران مبارزات میتوانند جلو بیفتند و این تشکل ها را سازمان بدهند. الان با توجه به امکاناتی که مدیای اجتماعی در اختیار ما گذاشته می توانیم به صورت امنی این تشکلهای را ایجاد کنیم.

برقراری ارتباط با سازمانهای مبارزاتی موجود نیز از طریق مدیای اجتماعی کاملا امکان پذیر است. این سازمانها متعین و شناخته شده هستند. الان شوراهای کارگری در صنعت نفت جایگاه مهمی در تداوم مبارزات دارند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی و شورای سازماندهی کارگران ارکان ثالث دو نمونه از تشکلهای مبارزاتی نه تنها برای کارگران نفت بلکه برای کارگران در همه بخشهای تولیدی و

**به حزب
کمونیست کارگری
بپیوندید!**



تلگرام: @wpi_tamas
۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com



راههای پیشروی ...

از صفحه ۳

میکشند.

اینها زمینه های سیاسی اجتماعی کنار هم قرار گرفتن فعالین و نهادهای مبارزاتی است. این کاملاً امکان پذیر و عملی است که بخشهای مختلف جامعه از خواسته های یکدیگر - کارگران از خواسته های جوانان، جوانان از خواسته های زنان، زنان از خواسته های خانواده های جانبازان و جنبش دادخواهی و غیره- مشترکاً حمایت کنند. تاکید من بر اقدام مشترک است چون فعالین و نهادهای اعتراضی بارها این کار را کرده اند. منتهی در بیانیه های جداگانه و در فراخوان های جداگانه. این کافی نیست. بسیار بسیار مهم است که نهادها و چهره های مبارزاتی در کنار هم قرار بگیرند و بیانیه ها و کیفرخواست ها و فراخوان ها به امضاهای فعالین و نهادها و سازمان های فعال در چندین جنبش منتشر شود. یک نقطه قوت بیانیه ۱۲ ماده ای که به آن اشاره کردیم همین بود که ۲۰ تشکل شناخته شده و معتبر کارگری، دانشجویی، زنان، معلمان، جوانان آنرا امضا کردند.

این حرکت باید نمونه باشد برای آنکه ده ها تشکل و نهادها و چهره های سرشناس فراخوان های مشترک بدهند. بهترین نقطه شروع همین سالگرد انقلاب است.

نکته بعدی من تاکید بر تشکیل شوراهای است. در حال حاضر در یک بخش فعال جنبش کارگری، یعنی بخش صنعت نفت و پتروشیمی شوراهای مبارزاتی تشکیل شده است. این شوراهای در برآمد جنبش کارگری در دل این انقلاب نقش موثری داشتند، فراخوان دادند، تدارک دیدند و سازمان دادند. فراخوان من به کارگران این است که در سطح گسترده تری شوراهای اعتراضی و مبارزاتی را تشکیل بدهند. اولاً در خود صنعت نفت کارگران بخشهای بیشتری میتوانند به شوراهای موجود بپیوندند و فراخوانهای آنها را به پیش ببرند و ثانیاً بخش های دیگر جنبش کارگری شوراهای اعتراضی در صنعت نفت را نمونه والگو قرار بدهند و شوراهای مبارزاتی خودشان را ایجاد کنند.

جنبش دادخواهی هم میتواند گسترده تر و فراگیر تر بشود. میدانید که جنبش دادخواهی یک جنبش سابقه دار است. قبل از این انقلاب نهادهایی تحت نام مادران خاوران و مادران آبان و انجمن خانواده های قربانیان شلیک به هوایما متشکل و فعال بودند. این نهادها دستاوردهائی داشتند مثل محاکمه حمید نوری و محکومیت او در استکهلم، محاکمه غیابی و محکومیت خامنه ای و سران سپاه در دادگاهی در ایالت انتاریو کانادا. همچنین دادگاههای نمادینی تحت عنوان ایران تریونال و دادگاه آبان در خارج کشور تشکیل شدند که افشاکاری و روشنگری های ارزشمندی علیه کل جنایات حکومت انجام دادند. انجمن خانواده های قربانیان هوایما اوکراینی نیز از همان بدو رخدادهای این فاجعه در سال ۹۸ تشکیل شد و در ایران و در خارج کشور بسیار فعال بود.

اکنون در سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی جنبش دادخواهی موقعیت تازه ای می یابد. عزیزان زیادی در روند این انقلاب جان خود را از دست دادند و خانواده

های زیادی داغدار شدند. خواست این خانواده ها از صرف محاکمه آمرین و عاملین کشتار عزیزانشان فراتر می رود. امر و هدف آنها سرنگونی حکومت است. از سوی دیگر نهادهای موجود در جنبش دادخواهی نیز بر متن شرایط انقلاب از خواست محاکمه سران حکومت فراتر رفته و بعنوان جزئی از جنبش سرنگونی بمیدان آمدند. نهادهائی مثل مادران خاوران و مادران آبان و انجمن خانواده های قربانیان شلیک به هوایما میتوانند در کنار خانواده های جانبازان انقلاب جاری قرار بگیرند و به این ترتیب این جنبش بسط پیدا کند، سراسری تر و موثرتر بشود و بعنوان یک رکن مهم جنبش سرنگونی بمیدان بیاید.

با توجه به همه این نکات این بسیار مهم است که فعالین جنبشهای اعتراضی در بخشهای مختلف جامعه، کارگران و دادخواهان و معلمان و بازنشستگان و دانشجویان و پرستاران و غیره، با همان پرچم شعارها و مطالبات مشخص شان، خود را جزئی از جنبش عمومی سرنگونی و انقلاب زن زندگی آزادی ببینند و آگاهانه حول هدف مشترک سرنگونی حکومت هماهنگ و متحد عمل کنند.

امروز هیچکس تصور نمیکند با وجود این حکومت مثلاً دستمزد کارگران میتوانند پنج برابر بشود؛ و یا تا حکومت سر کار است زندانیان سیاسی آزاد می شوند؛ یا مجازات اعدام لغو میشود و غیره. مردم می دانند که باید این حکومت سرنگون شود تا این اتفاقات بیفتد. ولی در عین حال این خواسته ها را فریاد میزنند برای اینکه از زوایای مختلفی حکومت را محاصره کنند و تحت فشار قرار بدهند و بالاخره بزرش بکشند. بطور عینی و عملی جنبشهای مطالباتی مختلف، بویژه در شرایط انقلابی امروز جامعه، اجزای مهمی از جنبش سرنگونی طلبانه محسوب میشوند. بنابراین این بسیار مهم است که فعالین این جنبشها نیز بر موقعیت و اهمیت جنبشی که در آن فعالند واقف باشند و آگاهانه و نقشه مند هماهنگی و اتحاد با سایر جنبشها را در دستور کار خودشان قرار بدهند.

اینجا فرصت نیست به تک تک جنبشهایی که شما نام بردید بپردازم. تنها به عنوان نکته ای که به همه مربوط می شود باید باز تاکید کرد که متشکل شویم، خواسته هایمان را روشن و شفاف اعلام کنیم، و مهمتر از همه در کنار هم قرار بگیریم و به طور مشترک بیانیه بدهیم، اطلاعیه بدهیم و فراخوان بدهیم. اینها نکات اصلی هست که در رابطه با جنبشها باید مد نظر داشت و حزب ما به سهم خود تلاش میکند که مبارزات در این ابعادی که اشاره کردم قویتر و موثرتر به پیش برود.

۲ سپتامبر ۲۰۲۳، ۱۱ شهریور ۱۴۰۲



**منشور خواستهای حداقلی ۲۰ تشکل مانیفست
انقلاب زن زندگی آزادی، منشور اتحاد صفوف
مردم است. حول این منشور وسیعاً متحد شویم
و سالگرد انقلاب را گرامی بداریم**

در حمایت از فراخوان «شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی»

فراخوان سراسری بمناسبت سالروز قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی و سالگرد آغاز انقلاب زن زندگی آزادی! مردم مبارز سراسر کشور: این جنگ، جنگ همه ما علیه جمهوری اسلامی است!

#فراخوان ۲۵ شهریور:

تجمعات اعتراضی گسترده محله محور و راهپیمایی و تظاهرات اعتراضی به سمت خیابان‌ها و میدانی اصلی شهر برای تسخیر آن‌ها، در شهرها و استان‌های سراسر کشور

در شهر سقز و کل کردستان:

حضور در راهپیمایی اعتراضی به سمت مزار مهسا (ژینا) امینی در آرامستان آچی و اعتصاب سراسری کسبه و بازاریان در شهرهای کردستان

فراخواندهندگان:

شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی

(شامل تشکل‌های دانشجویی، دانش آموزی و گروه‌های مبارزاتی شهری جوانان و زنان)

شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی به مناسبت سالروز قتل مهسا (ژینا) امینی و سالگرد انقلاب مردم در شهرها و استان‌های سراسر کشور را به «تجمعات اعتراضی گسترده محله محور و راهپیمایی و تظاهرات اعتراضی به سمت خیابان‌ها و میدانی اصلی شهر برای تسخیر آن‌ها»، و در شهر سقز و استان کردستان به «حضور در راهپیمایی اعتراضی به سمت مزار مهسا (ژینا) امینی در آرامستان آچی و اعتصاب سراسری کسبه و بازاریان در کردستان» فراخوانده است.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از این فراخوان حمایت میکند و همه احزاب و سازمان‌های آزادیخواه، همه تشکل‌ها و نهادها و چهره‌های مردمی، همه فعالین در عرصه‌های مختلف مبارزه، و همه مردم اعم از زنان و جوانان، دانشجویان و دانش‌آموزان، کارگران و معلمان، بازنشستگان و کادر درمان، خانواده‌های جانبختگان و زندانیان سیاسی، هنرمندان و ورزشکاران، نویسندگان، وکلا و استادان دانشگاه‌ها را فرامیخواند که از فراخوان «شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی» حمایت کنند تا با قدرت و یکپارچه و با اتحاد و عزمی راسخ انقلاب‌مان را تداوم دهیم.

جمهوری اسلامی رفتنی است. بگیر و ببندها و تهدیدات و دستگیری‌های گسترده‌ای که در سراسر کشور شروع شده است بیانگر وحشت حکومت از خیزش مجلد مردم است. اقتدار حکومت از هر نظر در هم شکسته است. با تداوم انقلاب باشکوه و آزادیخواهانه‌مان حکومت دزدان و قاتلان اسلامی را برای همیشه به گور خواهیم سپرد.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۰ شهریور ۱۴۰۲، ۳۱ آگوست ۲۰۲۳

«شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی» فراخوان

ما باید دگربار علیه کل موجودیت حکومت بچه‌کش و قاتل جوانانمان، قاتل امیدها و آرزوهایمان، بایستیم و فریاد «زن زندگی آزادی» (سر بدهیم. بعد از یک سال مبارزه نفس‌گیر، دوباره به خیابان‌ها برمیگردیم.

در سالروز قتل که کاسه صبرمان را لبریز کرد و سیل خروشان انقلاب را روانه خیابان‌های سراسر کشور کرد، برمی‌خیزیم و با اسم رمز «مهسا/ژینا»، دگربار لرنه بر تن متجاوزان و قاتلان می‌اندازیم.

از امروز تا روز ۲۵ شهریور؛ آمادگی برای تجمعات، فعالیت‌های میدانی، تبلیغات، سازماندهی شهری و محله‌ای برای حضور هر چه بیشتر مردم برای سالروز انقلابمان. فراخوان ما به‌عنوان «شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی» (تشکل‌های دانشجویی و دانش‌آموزی و گروه‌های مبارزاتی شهری زنان و جوانان) رو به عموم جامعه در روز شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۲:

تجمعات اعتراضی گسترده محله محور و راهپیمایی و تظاهرات اعتراضی به سمت خیابان‌ها و میدانی اصلی شهر برای تسخیر آن‌ها، در شهرها و استان‌های سراسر کشور

در شهر سقز و کل استان کردستان:

حضور در راهپیمایی اعتراضی به سمت مزار مهسا (ژینا) امینی در آرامستان آچی و اعتصاب سراسری کسبه و بازاریان در شهرهای کردستان

تشکل‌های دانشجویی و دانش‌آموزی و گروه‌های مبارزاتی شهری زنان و جوانان

۶ شهریور ۱۴۰۲

مردم مبارز سراسر کشور؛ «انقلاب زن زندگی آزادی»، انقلاب همه ما سرکوب‌شدگان علیه جمهوری اسلامی است!

فراخوان سراسری به مناسبت سالروز قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی و سالگرد آغاز «انقلاب زن زندگی آزادی»! «فراخوان ۲۵ شهریور

انقلابمان (انقلاب زن زندگی آزادی با اسم رمز مهسا/ژینا)، یکی از باشکوه‌ترین و عظیم‌ترین انقلابات بشریت، در آستانه یکساله شدن است. یکساله که بر همه ما بسیار سخت گذشته؛ ما در کنار هم عزیزانی را از دست دادیم که یاد و خاطره و آرمان‌خواهی آنها در قلب‌مان همیشه زنده است.

در این یکسال لحظه به لحظه کنار هم بودیم و انقلاب و مبارزه را پیش برده‌ایم. رژیم اسلامی علی‌رغم همه جنایاتی که انجام داده اما موفق نشده ما و انقلابمان را متوقف کند و حالا در آستانه یکساله شدن «انقلاب زن زندگی آزادی» هستیم. بله، ما به‌عنوان سرکوب‌شدگان و بخش‌های تحت محرومیت، استثمار و سرکوب جامعه، مصمم‌تر از همیشه برای سرنوشتی حکومت جنایتکاران و دزدان دوباره به میدان خواهیم آمد.

ما زنانی که برابر یکی از وحشی‌ترین حکومت‌های تاریخ بشریت ایستاده‌ایم، ما دانشجویان و دانش‌آموزانی که برای آینده‌ای بهتر آرام و قرار نداریم، ما کارگران و معلمان و بازنشستگان و کادر درمانی که برای یک «زندگی» (انسانی و مرفه برای همگان در حال مبارزه‌ایم، ما رنگین‌کمانی‌هایی که آزادی و حقوق انسانی برابر می‌خواهیم، ما خانواده‌های دادخواهی که به امید دادخواهی، باید به سمت نبرد آخرمان علیه این حکومت دزد، سرکوبگر و جنایتکار برویم!

برای همه ما، سالروز قتل حکومتی مهسا (ژینا) ی ما که اسم رمز انقلابمان شد، فرا می‌رسد.

از فراخوان دادخواهان به مناسبت سالروز انقلاب زن زندگی آزادی حمایت میکنیم

روز مهسا را به روز دادخواهی زندگی بدل خواهیم کرد
کارهایمان را تعطیل میکنیم و مزار و محل کشته شدن
عزیزانمان را گلباران میکنیم.



۲۵ شهریور روز مهسا است

و شاهد پاسخ مشترک و متحدانه خانواده های دادخواه به موج سرکوب جدید حاکمان بوده ایم که بین ما با تن بی جان جگرگوشه هایمان بر دوش و شما با زندان ها و شلاق ها و تهدیدهایتان، تنها یک جمله باقی ست: قسم به خون یاران؛ ایستاده ایم تا پایان." و با اشاره به بازتاب قدرتمند جنبش دادخواهی در سطح جهان و از جمله بیانیه عفوی الملل در نزدیکی اولین سالگرد روز مهسا با خواست بازداشت آمرین و عاملین جنایاتی که در انقلاب زن زندگی آزادی بر مردم وارد شده مینویسند: "ما می توانیم به قدرت اتحاد و همبستگی هایمان زندگی که از ما سلب کرده اند را از چنگال کثیف جنایتکاران سرکوبگر رها سازیم و تمام آمرین و عاملین کشتارهای چندین ساله شان را به میز محاکمه و عدالت بکشانیم."

حزب کمونیست کارگری به همه دادخواهان که چنین با قدرت ایستاده و فریاد دادخواهی سر میدهند درود می فرستد و از فراخوان آنها به اعلام روز ۲۵ شهریور به عنوان روز اعتراض و دادخواهی سراسری مردم در تداوم انقلاب زن زندگی آزادی حمایت میکند. ما همصدا با دادخواهان بر محاکمه تک تک سران این حکومت در دادگاههای بین المللی تاکید داریم.

حزب کمونیست کارگری ایران-۷ مرداد ۱۴۰۲، ۲۹ اوت ۲۰۲۳

نهاد دادخواهان در بیانیه ای منتشر شده در کانال تلگرامی خود در فراخوانی با عنوان "۲۵ شهریور، روز مهسا یک روز تاریخی است" از همگان خواسته است که روز ۲۵ شهریور را به روز دادخواهی و به روز اعتراض سراسری تبدیل کنند. در بخشی از این فراخوان چنین آمده است:

"۲۵ شهریور، روز مهسا یک روز تاریخی است. روزی که عزیزان ما به پاس زندگی و با اسم رمز مهسا به خیابان آمدند و فریاد "زن زندگی آزادی" سر دادند. ما نیز از این پس به قدرت اتحادمان، ۲۵ شهریور، روز مهسا را به روز دادخواهی زندگی بدل خواهیم کرد. کارهایمان را تعطیل می کنیم و مزار و محل کشته شدن عزیزانمان را گلباران می کنیم. از همه انسانهایی که معنی زندگی را در آزادی می دانند می خواهیم با هر شکلی که می توانند این روز را به روز اعتراض سراسری بدل سازند.

با سر دادن شعر و ترانه و سرودهایی که یادآور عزیزان جانباخته مان است یادشان را جاودانه سازیم و حق شادی و رفاه را فریاد کنیم. دیوارهای شهر را از نام و عکس عزیزان جانباخته مان پر کنیم و هر کوی و برزن صدای دادخواهی را به هر شکلی بلند کرده و خواب آسوده را از چشمان جنایتکاران قاتل برهانیم.

بعد از روز مهسا هر روز سالگرد عزیزی در راه است که یادآور اعتراضات به حق ماست.

از همه تشکلهای و نهادهای مدافع حقوق انسانی می خواهیم که روز مهسا را به روز همبستگی سراسری و دادخواهی زندگی بدل سازیم. ما جز زندگی چیزی نمی خواهیم و آزادی حق ماست و به قدرت اتحاد مان پیروز می شویم."

دادخواهان در بیانیه خود همچنین به سرکوبگری های حکومت اشاره کرده و قاطعانه اعلام میدارند:

"امروز یکسال از قتل مهسا (ژینا) امینی که اسم رمز اعتراض به حق ما شد، می گذرد و پاسخ حاکمان به ما گلوله های آتشی بود که صدها جان عزیزانمان را به کام مرگ کشاند و مجروحانی که چشم هایشان را از دست دادند. و هزاران خانواده که به صف دادخواهان پیوسته ایم. بازماندگانی که دیگر زندگی برایمان جز دادخواهی معنایی ندارد و هم اینک با نزدیک شدن به سالگرد انقلاب مهسا دستگاه امنیتی سرکوبگر اقدام به دستگیری و زندان و تهدید دادخواهان کرده است. در حالیکه ما عزیزانمان را از دست داده ایم و دیگر حتی مرگ نیز برایمان هراسی ندارد

ادامه اعتراضات بیش از دو هزار کارگر ماشین سازی اراک



نیروگاه های بادی و کارخانجات سیمان در ایران و خاورمیانه است. که علاوه بر ماشین آلات و تجهیزات صنایع نفت و گاز، صنایع پتروشیمی، صنایع شیمیایی، سدها، نیروگاه ها و صنایع

سیمان؛ تجهیزات و ماشین آلات صنایع فولاد، صنایع ریلی، صنایع خودروسازی، صنایع غذایی، ترابری، بنادر و معادن را نیز تولید می کند. اعتصاب این کارگران تا همین جا هزینه سنگینی بر دوش صاحبان کار و پیمانکاران مفتخور گذاشته است. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از اعتصاب کارگران ماشین سازی اراک بر اتکاء این کارگران بر مجمع عمومی به عنوان مکانی برای حفظ اتحاد و همبستگی مبارزاتی تاکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۱ مرداد ۱۴۰۲، ۲ سپتامبر ۲۰۲۳

امروز یازدهم شهریور ماه سه هفته از اعتصاب بیش از دو هزار کارگر ماشین سازی اراک در اعتراض به سطح نازل حقوقها و طلبهای مزدی و کار برده وار پیمانی و عدم پاسخگویی به خواسته هایشان میگذرد. زیر فشار اعتصاب کارگران روزهای شنبه و یکشنبه را خود مدیریت تعطیل کرد. کارگران اعلام کرده اند که تا خواسته هایشان پاسخ داده نشود به اعتراض خود ادامه خواهند داد. افزایش حقوقها و حذف شرکتهای پیمانکاری و جذب نیروهای زیر نظر پیمانکاران توسط خود کارخانه از جمله خواسته های فوری این کارگران است. در این اعتصاب کارگران تمام بخش ها از جمله مونتاژ ساخت و تجهیزات دیگ بخار متالورژی شرکت دارند.

در این اعتراضات کارگران شعار میدادند: "مدیر بی لیاقت نمیخوایم، نمیخوایم"، "کارگر داد بزن، حق تو فریاد بزن"

ماشین سازی اراک کارخانه ای قدیمی و بزرگترین طراح و سازنده مجتمع های پتروشیمی، پالایشگاه های گاز، پالایشگاه های نفت، پل ها، نیروگاه های برق آبی،

نامه سرگشاده به اتحادیه اروپا: جمهوری اسلامی را بایکوت کنید!

مردم ایران از اتحادیه اروپا و همینطور سازمان ملل و تک تک دول غربی و هر دولت دیگری که ادعای حقوق بشر دارد انتظار به حق دارند که با توجه به مستندات منتشر شده در این گزارش و همچنین گزارش دیگری که همین سازمان سه سال پیش در باره جنایات هولناک جمهوری اسلامی در سرکوب خونین اعتراضات آبان ۱۳۹۸ تحت عنوان "ویرانگران انسانیت" منتشر کرد و افزون بر این دهها گزارش و مستندات دیگری که از جنایات چهل و چهار سال گذشته این رژیم موجود است، نه تنها از هر نوع سازشی با قاتلان مردم ایران خودداری کنند بلکه موضوع پیگرد قضایی مسئولین جمهوری اسلامی را بطور جدی دنبال کنند. هر درجه مماشات با چنین حکومتی و بایکوت نکردن و تحت پیگرد قرار ندادن مقامات جنایتکار جمهوری اسلامی توسط دول غربی، درد و رنج مردم ایران و مبارزات آنها برای رهایی از شر این حکومت را بیشتر میکند. توده‌های وسیع مردم ایران به چنان تجربه سیاسی رسیده‌اند که در حالیکه شجاعانه در تلاش برای سرنگونی جمهوری اسلامی هستند، روابط دول غربی با جمهوری اسلامی را مدام مورد بررسی انتقادی قرار میدهند و کوچکترین مماشاتی را نخواهند بخشید. مصونیت قضایی مقامات جمهوری اسلامی که سابقه‌های طولانی در جنایت دارند، حیاط خلوتی برای آنها ایجاد کرده است که به جنایات خود و نقض فاحش حقوق انسانی مردم ایران ادامه دهند بدون آنکه در مقابل هیچ نهادی جوابگو باشند. اینان ویرانگران انسانیت هستند و مطلقاً شایسته این مصونیت نیستند. باید این امکان را از آنها سلب کرد تا امکان فرار از دست عدالت را نداشته باشند. این کمترین کاری است که شما می‌توانید در حمایت از خانواده‌های جانباختگان و کل مردم ایران انجام دهید.

با احترام

دفتر بین‌المللی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ شهریور ۱۴۰۲، ۳ سپتامبر ۲۰۲۳

موضوع این نامه جلب توجه شما به گزارشی است که اخیراً سازمان عفو بین‌الملل در باره روند تشدید سرکوب‌ها در آستانه سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی در ایران منتشر کرده و شما قطعاً از آن مطلعید. عفو بین‌الملل در این گزارش از دولتهای جهان خواسته است که برای بازداشت عاملین این سرکوبگرها مطابق قوانین بین‌المللی وارد عمل شوند.

سازمان عفو بین‌الملل در این گزارش مستندات مربوط به اذیت و آزار و ارباب خانواده‌های معترضینی که در جریان انقلاب زن زندگی آزادی بدست نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی به قتل رسیده‌اند را منتشر کرده است. در این گزارش تشریح شده است که چگونه مقامات جمهوری اسلامی ایران خانواده‌های قربانیان را دستگیر و بازداشت کرده‌اند و محدودیت‌هایی ظالمانه برای جلوگیری از برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز بر سر مزار کشته‌شدگان تحمیل می‌کنند و حتی سنگ قبر جانباختگان را از بین می‌برند. با نزدیک شدن به سالگرد قتل مهسا (ژینا) امینی، رژیم اسلامی فشار بر خانواده‌ها را افزایش داده و شمار زیادی را تهدید و دستگیر کرده است. عفو بین‌الملل از این رفتار آزارگرانه مقامات حکومت ایران که موجب تحمیل درد و رنج بزرگی به خانواده‌های داغدار شده، به مثابه نقض ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز در قوانین بین‌المللی یاد کرده و مجدداً از همه دولت‌ها درخواست کرده است "تا از صلاحیت قضائی جهانی برای تحقیق و تعقیب کیفری همه مقامات از جمله مقامات امنیتی، اطلاعاتی، دادستانی و قضائی مظنون به دستور یا ارتکاب شکنجه و سایر جنایات تحت قوانین بین‌المللی استفاده کنند و هر زمان که شواهد کافی وجود داشته باشد، حکم بازداشت صادر کنند."

شما بدون تردید با جنایات بی‌شمار سران حکومت اسلامی از جمله اقدامات تروریستی آن در خارج مرزهای ایران آشنا هستید و اینرا نیز میدانید که مردم ایران کوچکترین سرسازشی با این حکومت ندارند و عزم راسخ دارند که آنرا سرنگون کنند.

۱۳ شهریور: ادامه تجمعات سراسری بازنشستگان مخابرات

شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد

روز ۱۳ شهریور بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه‌های قبل در سطح سراسری تجمع و اعتراض کردند. این تجمعات در مقابل شرکت‌های مخابرات در شهرهای مختلف صورت گرفت. شهرهایی که در آنها بازنشستگان مخابرات تجمع کردند عبارتند از: اهواز، اصفهان، کرمانشاه، تهران، رشت، گرگان، مشهد، تبریز، یاسوج، اراک، اردبیل، بندرعباس، شیراز، سنندج، زاهدان و خرم‌آباد.

اعتراض بازنشستگان مخابرات همچون بخش‌های دیگر جامعه و همه مردم به فقر و گرانی و بی‌تامینی، به تبعیض و نابرابری و اختلاسها و دزدی‌هاست. بازنشستگان همچنین به عدم اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و مشکلات بیمه درمانی شان اعتراض دارند. درمان رایگان و افزایش حقوق نیز از



خواسته‌های سراسری بازنشستگان است که در شعارها و بنرهای اعتراضی شان بازتاب دارد. در این اعتراضات بازنشستگان شعار میدادند: "وزیر بی

لیاقت استعفاء استعفاء"، "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "بازنشسته داد بزن حقتو فریاد بزن"، "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "عدالتی ندیدیم، فقط دروغ شنیدیم"، "مسئول بی لیاقت استعفاء، استعفاء"، "تا حق خود نگیریم، دوشنبه‌ها همین"، و "وعده وعید کافیه، ما عمر نوح نداریم".

در کرمانشاه و اهواز بازنشستگان راهپیمایی کردند و با فریاد شعارهای کوبنده خود فضای پرشوری از اعتراض در شهر را ایجاد کردند.

بازنشستگان با شعارهایی چون "شاغل و بازنشسته"، "لشکری، کشوری، فولادی، اتحاد، اتحاد"، "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" جمعیت میلیونی مردم را به اتحاد مبارزاتی فراخوان میدهند. این فراخوان به معنای شتاب برای رفتن بسوی تجمعات و اعتصابات سراسری است. حزب کمونیست کارگری بر تکثیر این شعارها در همه جامعه تاکید دارد و اتحاد و همبستگی مبارزاتی بخش‌های مختلف کارگری و کل جامعه را مورد پافشاری قرار می‌دهد.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۳ شهریور ۱۴۰۲، ۴ اوت ۲۰۲۳

ماهوره یوتلیست فرکانس، ۱۱۳۸۷
 ماهوره یاه ست فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیبیل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

www.newchannel.tv
 nctv.tamas@gmail.com

KANAL DİJİTAL
 کانال جدید

پخش زنده آنلاین

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های



مبارزات متحدانه راه پیشروی انقلاب و مقابله با حکومت سرکوب

مهران محبی

با نزدیکتر شدن به روز ۲۵ شهریور، سالروز قتل مهسا امینی توسط جانین جمهوری اسلامی و یک ساله شدن انقلاب "زن، زندگی، آزادی" حکومت عمیقاً به وحشت افتاده است. وحشت اینبار رژیم از مرگبارترین نوع است. وحشی واقعی و به حق است! وحشت از گر گرفتن و زبانه کشیدن مجدد شعله های آتش انقلاب علیه بالاترین طبقات عمارت جنایت حکومت است که دیگر اثری از آن را باقی نخواهد گذاشت.

به عبارت روشنتر حکومت خود می داند که با انقلاب زنانه جاری سرنگون خواهد شد و به خاطر جنایاتی که علیه مردم مرتکب شده است، چه سرنوشتی در انتظار سرانش است. سرانش می داند که به جرم گرفتن جان صدها هزار انسان انقلابی و آزادیخواه، به جرم تحمیل فقر و گرسنگی و شرایط غیر انسانی بر هشتاد میلیون نفر، به جرم بستن دهانها و شکنجه و زندانی کردن ده ها هزار انسان معترض که جرمی غیر از حق خواهی و خواست بهره مندی از حق زندگی مرتکب نشده بودند و به جرم خیلی جنایات دیگر در فردای پس از سرنگونیشان به پای میز محاکمه در دادگاه های مردمی کشیده خواهند شد و به سزای اعمال ننگینشان خواهند رسید. از همین رو چنین در هراسند.

در عین حال همه ما مردم کارگر و زحمتکش و خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی می دانیم فضائی که در این روزهای نزدیک به ۲۵ شهریور شاهدش هستیم چیزی غیر از نزدیک شدن به مرگ نهائی رژیم و پیروزی جامعه را معنا نمی کند. فضائی که در آن از یک طرف جامعه خود را آماده یک نبرد اساسی با حکومت می کند و از طرف دیگر حکومت با وحشت و نگرانی نهایت درنده خونی خود را به نمایش می گذارد تا شاید زمان مرگ نهایی اش را چند صباحی هم که شده عقب تر بیندازد. در نتیجه یورش گسترده ای که امروز علیه مردم شروع کرده نه از سر قدرت بلکه از سر اسبصال و دست و پا زدن عبث در واکنش به مجسم شدن مرگ و نابودیش در ذهن و روانش است.

از جمله رژیم درمانده، حدوداً از دو هفته پیش به خانواده های جانبختگان انقلاب حمله برده و بسیاری از آنها را بازداشت کرده است. این وحشت زدگان از انقلاب، قضاوت را به حدی رسانده اند که در مواردی همه اعضای یک خانواده دادخواه را بازداشت کرده اند. بسیاری از فعالین اجتماعی و بازداشت شدگان در جریان انقلاب مهسا را بازداشت کرده اند. ده ها نفر که بیشترشان از شهرهای شمالی، شهرهای کردستان از جمله سقز و مریوان و شهر ایذه در خوزستان بوده اند، بازداشت شده اند.

انقلاب جاری، همچنانکه از ابتدا علیه کلیت حکومت به خاطر شرایط خفقان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و مشقتهای اقتصادی و معیشتی ای که ایجاد کرده و با هر نوع روشنگری و ضد خرافه گری با مردم جنگیده، شروع شده بود، حالا خالص تر و عمیقتر گردیده است. در همین مدت یک ساله انقلاب، علیرغم پیشرویهای سیاسی و اجتماعی جامعه و تحمیل بی حجابی بر حکومت، اما از نظر معیشتی وضعیت خیلی بحرانی تر و کمر شکن تر شده است. قیمت کلیه اجناس مخصوصاً اجناس ضروری چند برابر شده است و شرایط برای زندگی اکثریت مردم چند برابر سخت تر و غیر قابل تحمل تر گردیده است. این اوضاع معیشتی اکثریت مردم که باعث شدت گرفتن سطح نارضایتی و گسترده تر شدن اعتراضات توده ای شده است، بر وحشت حکومت افزوده و باعث شده که سران و مقامات دولتی از یکسو به مردم مطالبه گر چنگ و دندان نشان دهند و از سوی دیگر مانند حیوان درنده زخمی سر خود را بر دیوار بکوبند و داد و فریاد کنند.

اوضاع به حدی بحرانی شده است که روزنامه کیهان شریعتمداری سرسپرده خامنه ای به تضعیف شدن اقتدار حاکمیت در مدت یک ساله انقلاب و وجود عنصر بسیار مهم و چالش ساز وضع معیشتی مردم برای حکومت اعتراف می کند و هشدار می دهد که باید نگران واکنش اجتماعی و اغتشاشات در ماه های آینده بود.

جانین حاکم می دانند مورد چه تفر عمیق اجتماعی ای هستند. می دانند مردمی که کمرشان زیر بار فقر و گرانی خم شده و همین روزها شاهد هزینه های هزاران میلیارد تومانی برای مضحکه اربعین بودند، چه انزجاری متوجه خود می کنند.

بد نیست به یک آمار رسمی که تنها گوشه ای از چپاول حقوق و سرمایه عمومی مردم برای تأمین هزینه های تبلیغی و نمایش حکومتی اربعین را نمایان می کند، توجه کنیم: به گفته روح الله غلامی مدیر کل گمرکات استان ایلام از ۲۴ مرداد تا ۲ شهریور امسال ۱۷۳۳ کامیون حامل کالای همراه موکب داران پس از انجام تشریفات گمرکی خروج موقت از گمرک مهران خارج شده اند.

از سوی دیگر آماری از دانش آموزان از تحصیل بازمانده در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ به این شرح است: به گفته یوسف نوری وزیر سابق آموزش و پرورش در حال حاضر ۸۲۰ هزار بازمانده از تحصیل وجود دارد و به گفته معاون آموزش ابتدائی وزارت آموزش و پرورش ۱۶۰ هزار کودک در مقطع ابتدائی از تحصیل بازمانده اند. با در کنار هم قرار دادن این دو آمارکه مثنی نمونه خروار است می توان به عمق جنایاتی که حکومت نسبت به مردم مرتکب می شود و هزینه های حکومتی ای که به حساب مردم گذاشته میشود، پی برد. جمهوری اسلامی هر هزینه ای که برای بقاء خود می کند، آن را از زندگی مردم می گیرد، از سفره های بی رونق میلیونها انسان بیرون می کشد و از حق تحصیل دانش آموزان کش می رود. باید یک میلیون دانش آموز از حق تحصیل محروم شوند و به کودک کار تبدیل شوند و کودکی و نوجوانی و جوانیشان نابود شود تا حکومت ضد کودک بتواند آخورهای (موکب) سر راهی برای چریدن گله های مزدوران و وابستگان متحجرش تا کربلا مهیا کند. باید گرانی و فقر را بر اکثریت مردم در این ایام بیشتر از پیش کنند تا ۱۷۳۳ کامیون از اقلام ضروری خوراکی و دارویی را برای نمایش تبلیغی راهپیمایان ولائی و سینه چاکان دزد و مفتخور حسینی به عراق ارسال کنند.

در برابر این شرایط مردم خشمگینند. دیدن صحنه های چریدن مفتخوران آخوند و نعل بر پیشانی نقش بسته و خواهر زینب هایی که در آخورها سر در ظروف کرده و غذای مفت را با حرص و ولع می بلعند در کنار کودکان و زنان و مردان زباله گردی که به طرف ظروف لیس خورده توسط این انگلهای حکومتی خیز بر می دارند، برای مردم انزجار آور است و بر خشم و نفرتشان شعله میزند. این را از نگاههای مردم به همدیگر و هنگامیکه با تفر روی از چنان صحنه هائی بر می گردانند، به روشنی می بینیم. نگاههایی که بطور واقعی پیام آماده باش مردم برای برچیدن این اوضاع و بساط چپاول و مفتخوری است. مردم با رد و بدل کردن چنین نگاههایی به همدیگر می گویند که این رژیم شایسته بقاء نیست و تنها راه نجات، سرنگونیش است. فضای عمومی امروز جامعه یک شرایط انفجاری و پیش رفتن به سوی زدن



طبقاتی میلیونی کارگر در سطح سراسری به اعتراض علیه فقر و ستم و استعمار تاکید دارد. دو شعاری که مدتیست به گفتمان اعتراضات بخشهای مختلف بازنشستگان تبدیل شده و بازتاب دهنده فضای سیاسی جامعه است. دو شعاری که میتواند بستر ساز تجمعات و اعتصابات سراسری علیه فقر و گرانی و توحش سرمایه داری حاکم در دل شرایط انقلابی باشد و این بهترین تدارک برای گرامیداشت سالگرد انقلاب است. این دو شعار را باید در همه جا تکرار کرد. شعارهای اعتراضی بازنشستگان، از جمله اعتراضشان به حقوقهای چند بار زیر خط فقر سی میلیون و تاکیدشان بر درمان رایگان و حق تجمع و اعتراض و علیه بساط دزدسالار حاکم صدای اعتراض همه مردم است که چنین رسا فریاد زده میشود.

از اعتراضات بازنشستگان باید وسیعا حمایت کرد. اعتراضات بازنشستگان در بطن جامعه سرشار از اعتراض، نوید بخش موج قدرتمندی از انقلاب است. به استقبالش برویم.

مندرج در ژورنال شماره ۵۱۱

درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید

شهلا دانشفر

این فریاد بازنشستگان تامین اجتماعی در شهر اهواز در روز پنجم شهریور بود. فریادی در دل شرایط پر التهاب جامعه در آستانه سالگرد انقلاب که رابطه عمیق مبارزات بازنشستگان با اعتراضات مردمی و فریاد "فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی" در دل انقلاب زن زندگی آزادی را بیان میکند. در آنروز بازنشستگان تامین اجتماعی مثل یکشنبه های هر هفته در چندین شهر تجمع داشتند و در شهری چون اهواز راهپیمایی آنان با فریاد شعارهای اعتراضی شان علیه فقر و گرانی و دزدیها و علیه بخشهای مختلف حاکمیت چون مجلس و دولت و مقامات تامین اجتماعی، شهر را به تحرک درآورده بود. از سوی دیگر همان روز بیش از هزار بازنشسته فولاد اصفهان در مقابل صندوق بازنشستگی تجمع داشتند و شعارهای اعتراضی شان علیه وضع اسفبار معیشتی و علیه کل دار و دسته های حکومتی بر فضای خیابان طنین انداخته بود.

تداوم قدرتمند اعتراضات بازنشستگان، افزایش شرکت کنندگان در تجمعات هفتگی آنان در روزهای یکشنبه، دوشنبه و سه شنبه و حضور چشمگیر زنان در این اعتراضات فضای سیاسی شهرها را رقم زده است. از جمله امروز هفتم شهریور معلمان بازنشسته در سطح سراسری تجمعات پرشوری بر پا کردند. همچنین در جایی مثل کرمانشاه و یا اردبیل ما شاهد شکل گیری تجمعات مشترکی از این بازنشستگان بوده ایم. روز دوشنبه نیز بازنشستگان مخابرات در شانزده شهر تجمع داشتند و پیام مهم آنان فریاد شعارهای "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد"، "لشکری، کشوری، فولاد، تامین اجتماعی اتحاد اتحاد" بود. دو شعار کلیدی که بر اتحاد

مبارزات متحدانه راه پیشروی انقلاب و... از صفحه ۸

پیش در بیمارستان میلاد تهران تکرار شد. پرستاران معترض و بیماران و همراهان یک صحنه زیبا و تحسین برانگیز از اعتراض و همبستگی را در بیمارستان میلاد تهران به نمایش گذاشتند. پرستاران این بیمارستان که در اعتراض به مشکلات معیشتی خود تجمع کرده بودند مورد حمایت بیماران و همراهان آنان قرار گرفتند و این همبستگی به صحنه ای شورانگیز از ابراز احساسات انسانی و هیجان، هلهله و دلگرمی میان حضار و در عین حال قدرت بخشیدن به اعتراض پرستاران تبدیل شد. این اولین رخداد از خلق اتحاد و دلگرمی و پشتیبانی توده ای از مطالبات کارگران و بخشهای مزدبگیر جامعه نیست. این یک سنت جا افتاده از زمان اعتصابات طولانی مدت کارگران نیشکر هفت تپه است که مورد حمایت نه تنها مردم شهر شوش قرار گرفتند، بلکه وسیعا و در سطح سراسری حمایت شدند.

حالا وقتش رسیده است که کارگران در همه مراکز کارگری اقدام به اعتصاب و تجمع برای افزایش حقوق و بهبودی وضعیت معیشتی کنند و پایان دادن به فضای امنیتی، اعمال فشار، احضار و بازداشت فعالین و بازداشت شدگان در جریان انقلاب و خانواده های جانباختگان را بر خواسته های معیشتی خود بیفزایند. این روزها شاهد تجمعات بازنشستگان در سراسر کشور هستیم. کارگران و دیگر بخشهای مزدبگیر هم ضرورت دارد که اعتصابات سراسری خود را شروع کنند و مردم نیز وسیعا به این تجمعات بپیوندند. باید اعتراضات معیشتی خود را با اعتراضات سیاسی یکی کنیم. شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" را یکی از شعارهای اصلی خود در هر اعتراضی قرار دهیم. اینچنین است که خواهیم توانست حکومت را به عقب نشینی ناچار کنیم و زمان سرنگونیش را نزدیکتر کنیم. زنده باد انقلاب.

ضربات مهلک تر بر فرق سر حکومت را نشان می دهد. سرنگونی جمهوری اسلامی قطعی است و همانطور که اشاره شد این واقعیت را خود سران حکومت هم اذعان دارند. از خامنه ای گرفته که به سرداران سپاهش هشدار میدهد که مبادا پایشان سست شود و بلرزد تا حسین سربازجوی شریعتمداری که زوزه می کشد و می گوید اغتشاشات معیشتی چالش ساز برای حکومت در راه است، تا بر سر و صورت خود زدن دیگر سران وحشت زده، اقرار بر پایان حکومتشان است.

اما ما کارگران و اکثریت مردم باید زمان سرنگونی حکومت را جلوتر بیاوریم. نباید اجازه دهیم که هزینه سرنگونی برایمان بیشتر شود. نباید اجازه بدهیم بیشتر از این، دستگاههای سرکوبگر به اعمال فشار، احضار و بازداشت خانواده های جانباختگان، فعالین و شرکت کنندگان در انقلاب و زندانیان سیاسی سابق ادامه دهند.

ما مردم و کارگران تجارب و سنتهای ارزنده ای در مبارزه مشترک و همبسته با حکومت را داریم. باید از تجاربمان برای تقویت انقلابمان و پائین آوردن هزینه های جانی و مالی خود در ازای سرنگون کردن جمهوری اسلامی در این شرایط حساس و تعیین کننده استفاده کنیم.

یک نمونه از آن تجارب مبارزاتی مردم و کارگران علیه حکومت چند روز

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوما به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



از کشتار تابستان ۶۷ تا امروز

یاشار سهندی

از کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷، سی و پنج سال گذشت. کشتاری برای اطمینان یافتن از دوام و قوت قلب گرفتن جمهوری اسلامی که می تواند به حیات نکبت بار خود ادامه دهد. کشتاری که آرزوهای زیادی را کشت، اما در عین حال نتوانست آرزوی سرکوب یک جامعه را برای بورژوازی محقق سازد. در آن تابستان شوم نیز حکومت از ترس عکس العمل جامعه، کشتار زندانیان را در خفا صورت داد به طوری که حتی خود زندانیان به مدت طولانی متوجه نشدند چه تصمیم جنایتکارانه در مورد آنها گرفته شده و در حال اجرا است. بعد از آن کشتار و بر ملا شدن موضوع و بالا گرفتن اعتراضات خانواده های زندانیان سیاسی، حکومت مجبور شد در آن مقطع دست از ادامه اعدامها بکشد.

"خاوران" گورستانی در جنوب شرقی تهران در کنار یکی از جاده های پر رفت و آمد ایران، روزگاری مکانی پرت بیرون از شهر بود. اکنون در دل شهر در میان هیاهوی دهها کارگاه صنعتی، پیکر هزاران زندانی سیاسی به قتل رسیده را در خود جا داده است. این مکان به همت خانواده های زندانیان قتل و عام شده، بخصوص مادران جان باختگان به جایی برای اعتراض به اعدام تبدیل شد، و جنبش دادخواهی در ایران قد علم کرد. جنبشی که علیرغم سرکوب بی نهایت خشن جمهوری اسلامی سال به سال قوی تر شد. و "خاوران" نام جنبشی شد علیه فراموشی. جانان اسلامی زندانیان سیاسی بی خبر از همه جا را به دار کشیدند به این امید که شاید ریشه اعتراض را در ایران بخشکانند. اما اعتراض علیه سیه روزی و تبهکاری رژیم اسلامی سرمایه هیچگاه متوقف نشد؛ و در مقاطعی، فوران این اعتراضات چشم جهانیان را خیره ساخت. شورش کوی طلاب مشهد در سال ۷۱، شورش محله اسلامشهر تهران در سال ۷۴، قیام دانشجویی در تابستان ۷۸ تلاطم های اعتراضات گسترده مردمی بود. بعد از آن خیزش مردمی در تابستان ۸۸ را داشتیم که با اعتراضات به انتخابات سربلند کرد و اصل نظام را هدف گرفت و به انقلابی نیمه تمام منجر شد. سپس قیام دی ماه ۹۶ در سراسر ایران به بهانه گرانی سرریعا به اعتراضات علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد. بعد از آن اعتراضات در تابستان ۹۷ بوقوع پیوست و این اعتراضات از اصفهان شعله ور شد و به سرعت دامنه اش به کرج و تهران و رشت و نیشابور و کرمانشاه و قرچک و همدان و شیراز کشیده شد. بعد از آن در آبان ۹۸، قیامی سراسری و این بار به بهانه گران شدن بنزین شکل گرفت. خیزشی که آتش به جان کل حاکمیت جمهوری اسلامی انداخت. قابل توجه اینکه در کنار و همراه همه اینها، اعتراضات و اعتصابات بی وقفه کارگران در سراسر ایران که بزرگترین و مهمترین نشان اعتصابات طولانی مدت نیشکر هفت تپه، فولاد اهواز، هپکوی اراک، اعتراضات قدرتمند معلمان، مبارزات کارگران معادن و شهرداریها، اعتراضات پرستاران و کارگران پیمانی نفت را شاهد بودیم و این لیست بلند بالاست. و نهایتا با قتل مهسا (ژینا) امینی در شهریورسال ۱۴۰۱؛ شعله انقلاب بار دیگر در ایران بالا گرفت. در تمام این وقایع جمهوری اسلامی از هیچ جنایتی فروگذاری نکرد که شاید بتواند اعتراض علیه شرایط بردگی را خاموش سازد. اما به واقع آنچه رخ داد این بود که سال به سال این جمهوری اسلامی بود که ضعیف تر شد.

در بطن انقلاب جاری و بر زمینه بستر مبارزات بی وقفه چهار دهه گذشته، سی و پنجمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ گویایی این است که آن کشتار شاید در ابتدا تخم وحشت را کاشت اما به سرعت همان کشتار و مبارزه برای زنده نگهداشتن یاد آن عزیزان موجب شکل گرفتن جنبش دادخواهی شد. و این خود به یک محرک مهم برای مبارزه علیه جمهوری اسلامی سرمایه تبدیل شد. جنبش دادخواهی خاوران (هر چند مادران جان باختگان تابستان ۶۷ عمرشان کفاف نداد که

چنین روزی را ببینند،) به جنبش دادخواهی انقلاب زن زندگی آزادی متصل شد و این توان این جنبش را بسیار قوی تر ساخته است. جنبش دادخواهی در ایران، تنها یک جنبش برای اجرای عدالت نیست، مانند آنچه در آرژانتین گذشت. بلکه این جنبش بر متن یک جنبش عظیم چپ اجتماعی دوام و قوام یافته است و از همین رو بسیار قوی تر و عمیق تر است. به محاکمه کشاندن آمران و عاملان کشتارهای چهار دهه گذشته با توجه به تحولات عمیق جامعه عملا به محاکمه آن نظامی منجر میشود که از ضروریاتش کشتار و سرکوب است که حتی اپوزسیون راست بر خلاف سال ۵۷، نمی تواند "خدعه" کند. این اپوزسیون خود را مجبور می بیند تو چشم جامعه نگاه کند، تاریخ را در سطح وسیعی تحریف کند و نهایتا وعده زندان و اعدام و جلوگیری از انتشار هر عقیده و تشکیلاتی را بدهد که رنگ ضد سرمایه داری دارد.

این چنین است که یاد بود کشتار سال ۶۷، در بطن مبارزات جاری معنایی بسیار متفاوت از سالهای پیش دارد. از سویی نیروهایی هستند که در اشکالی وعده تکرار آنرا میدهند. اپوزسیون راست با لجن پراکنی علیه "نسل پنجاه هفتی"، که توسط جمهوری اسلامی قتل و عام شدند، آن کشتارها را تایید میکند و این نتیجه یک تحلیل سیاسی نیست بلکه به صراحت گفته اند و نوشته اند: "چرا ساواک کار جمهوری اسلامی را نکرد تا شاید جلو انقلاب ۵۷ گرفته شود!" به صراحت به زبان می آورند که این کشتارها نتوانسته است جامعه را خاموش سازد و خود را مجددا کاندید کرده اند که به رهبری پرویز ثابتی، تمام دم و دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی را به خدمت بگیرند و کار را این بار تمام کنند! اما یک نکته است که سخت از آن غافلند. جمهوری اسلامی با تمام توانش در سرکوب، بی آنکه خواسته باشد با وجود کشتارهای چهار دهه گذشته و سرکوب بی امان هر چه نشانه انسانیت و تمدن و شرافت، موجب شخم خوردن عمیق جامعه را فراهم آورده است. از جمله نشانه های آنرا میتوان در جنبش علیه اعدام، رهایی زن، علیه مذهب، حقوق کودک و محیط زیست و جنبش رنگین کمانی ها و.. دید. جنبشی با مضمون سوسیالیستی که در شعارهایی مانند معیشت و منزلت حق مسلم ماست خود را متبلور میکند.

از سوی دیگر جنبشی که میخواهد یکبار برای همیشه نقطه پایانی بر اعدام و کشتار سیاسی بگذارد. جنبشی که همانگونه که اشاره شد در اعماق جامعه شکل گرفته و در اولین قدم، ضربه خورد کننده ای بر مرد سالاری و مرگ آفرینی حاکمان زده است و این دست آورد بزرگی در طی یکسال گذشته بوده و هیچ نیروی نمی تواند این را از جامعه پس بگیرد. حتی اگر بتوانند باز هم کشتارهای وسیعی بر جامعه تحمیل کنند. به عبارت روشنتر جنبش های شکل گرفته بر بطن چهل سال سرکوب، علیرغم همه هزینه های سنگینی که متحمل شده اند، در اعماق جامعه ریشه دوانده اند. این جنبش ها را که از نیازهای گوناگون جامعه شکل میگیرند با کشتار و سرکوب نمی توان محو و نابود کرد. بورژوازی اما هیچ راهی جز کشتار و وعده دیکتاتوری ندارد که به جامعه ای بدهد که علیه هر گونه دیکتاتوری و تبعیض به پا خاسته است. از کشتار زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ و اوج آن در تابستان ۶۷، تا کشتار توده معترض در کف خیابانها در سال ۱۴۰۱، خط مقاومت جنبشی است که همه آزادی و برابری را طلب میکند؛ این تاریخی است که شکست نخوردگان رقم زده اند.



داد.

- یک کارگر حدود ۶۱ ساله در یکی از کارخانه‌های شهرک صنعتی طرق مشهد هنگام تخریب دیوار سوله بر اثر ریزش ناگهانی دیوار جان باخت.

- یک کارگر ۲۰ ساله ساختمانی هنگام کار در یک پروژه ساختمانی در حال ساخت واقع در شهر نیشابور در استان خراسان رضوی، بر اثر حادثه برق‌گرفتگی جان خود را از دست داد. بنا به این گزارش، این کارگر به علت اتصال میلگرد به سیم برق دچار برق‌گرفتگی شده و از طبقه سوم به پایین پرتاب شده است. محیط‌های کار بدلیل نا امنی و سودجوی سرمایه داران مفتخور هر روز قربانی می‌گیرد.

- کارگران کارخانه ماشین سازی اراک نسبت به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً دست به تجمع زدند.

روز پنجشنبه ۹ شهریور ماه ۱۴۰۲

- جعفر ابراهیمی، معلم زندانی، به دلیل مشکلات گوارشی، در اثر عدم رسیدگی پزشکی تخصصی، وضعیت جسمی وخیمی پیدا کرده است. ابراهیمی، مدت‌هاست که به دلیل عود بیماری التهاب روده نیاز فوری به درمان دارد. در حالی که پزشکی قانونی تشخیص داده که ضروری است جعفر ابراهیمی، برای گرفتن درمان، به مرخصی درمانی برود؛ با این وجود هنوز زندان او این اقدامی در این خصوص انجام نشده است. محرومیت از دارو و درمان بخشی از سیاست سرکوبگرانه حکومت اسلامی در قبال زندانیان سیاسی و شکنجه‌آزار آنهاست.

- بنابر اخبار و ویدیوهای منتشرشده، کارگران کارخانه ماشین سازی اراک در تداوم اعتصاب و اعتراض خود مجدداً نسبت به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند.

- یونس آزادبر فعال کارگری زندانی و کارگر بازنشسته مخابرات توسط شعبه اول بازپرسی عمومی و انقلاب سنگر استان گیلان با اتهامات محاربه، تبلیغ علیه نظام و عضویت در گروه‌های مخالف نظام تفهیم اتهام شد. این فعال کارگری در روز ۲۸ تیر در منزلش بازداشت و تاکنون در زندان لاکان زندانی است. یونس آزادبر باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

روز جمعه ۱۰ شهریور ماه ۱۴۰۲

- یک کارگر ۵۰ ساله نصاب آسانسور در شیراز بر اثر سقوط وزنه تعادل آسانسور جان‌ش را از دست داد.

- ۳۸ کارگر استخدامی شرکت نفت و گاز بانکول ایوانغرب از توابع استان ایلام، پس از مطالبه دستمزد معوقه خود از کار اخراج شدند. بر طبق اسناد، کارفرمای شرکت نفت و گاز بانکول ایوانغرب، ضمن صدور دستور اخراج ۳۸ کارگر استخدام‌شده، علیه آن‌ها اقدام به طرح دعوی کرده است.

روز شنبه ۱۱ شهریور ماه ۱۴۰۲

- اعتراض کارگران کارخانه ماشین سازی اراک نسبت به عدم رسیدگی به مشکلاتشان همچنان ادامه دارد.

- غلامرضا اصغری مراللو معلم بازنشسته که در تجمع اعتراضی بازنشستگان در روز ۷ شهریور دستگیر شده بود به قید وثیقه از زندان اردبیل آزاد شد.

- عزیز قاسم‌زاده خواننده و فعال صنفی معلمان که در حال سپری کردن مرخصی

کارگران در هفته ای که گذشت

تهیه کننده سهیلا رضوانی

روز دوشنبه ۶ شهریور ۱۴۰۲

- بازنشستگان شرکت مخابرات دستکم در ۱۶ استان مجدداً تجمع‌های اعتراضی برگزار کردند. این تجمعات در ادامه دوشنبه‌های اعتراضی در استان‌های لرستان، آذربایجان شرقی و غربی، زنجان، هرمزگان، مازندران، کردستان، ایلام، چهارمحال و بختیاری، کرمانشاه، گلستان، اصفهان، فارس، خراسان رضوی، گیلان و خوزستان برگزار شد. از جمله خواسته‌های این بازنشستگان اجرای کامل همسان‌سازی حقوق، اجرای آئین نامه استخدامی و پرسنلی مصوب سال ۱۳۸۹ و رفع مشکلات بیمه تکمیلی می‌باشد.

- آئینا اسدالهی، فعال کارگری زندانی که محکومیت ۵ سال زندان خود را در زندان اوین می‌گذراند، بعات سر دادن شعار زن زندگی آزادی، ممنوع‌الملاقات شد.

- کارگران پروژه‌های شاغل در موسسه رایانه شهر شهرداری تهران در اعتراض به عدم پرداخت چندین ماه حقوق معوقه و همچنین شرایط نامناسب کاری و عدم پاسخگویی مسئولین این موسسه به خواسته‌های کارکنان، مقابل ساختمان اصلی شرکت کنترل ترافیک تهران در خیابان فاطمی دست به تجمع زدند.

- کارگران شرکت ماشین سازی اراک در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان، اعتصاب کرده و در محوطه کارخانه دست به تجمع زدند. اعتراض این کارگران از اول هفته‌ی قبل آغاز شده است.

روز سه شنبه ۷ شهریور ماه ۱۴۰۲

- جمع‌هایی از فرهنگیان بازنشسته و دیگر بازنشستگان کشوری تجمع اعتراضی برگزار کردند. این تجمعات در کرمانشاه، پلدختر، کوه‌دشت، ارومیه، تهران، سنندج، یزد، اردبیل، ایلام، قزوین برگزار شدند.

- مظفر صالح‌نیا از اعضای هیئت مدیره‌ی اتحادیه آزاد کارگران ایران پس از احضار تلفنی توسط حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی سنندج مورد بازجویی قرار گرفت. این نهاد امنیتی با اشاره به فرارسیدن سالگرد خیزش مردمی سال ۱۴۰۱، ضمن تهدید به پرونده‌سازی مجدد علیه مظفر صالح‌نیا از او خواسته‌اند تا تعهدنامه‌ای مبنی بر عدم شرکت در اعتراضات امضا نماید که با مخالفت شدید آقای صالح‌نیا روبرو شده است.

- نیروهای امنیتی، صبح روز سه شنبه، وارد منزل غلامرضا اصغری معلم بازنشسته و از اعضای کانون صنفی معلمان اردبیل شده‌اند و وی را بازداشت کرده و موجب نگرانی و ترس و وحشت اعضای خانواده وی شدند.

- کارگران کارخانه ماشین سازی اراک در تداوم اعتصاب و اعتراض خود نسبت به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً دست به تجمع زدند.

- عزیز قاسم زاده معلم زندانی استان گیلان توسط هیات رسیدگی به تخلفات کارکنان آموزش و پرورش این استان از کار اخراج شد. حکم انفصال دائم از مشاغل دولتی برای عزیز قاسم زاده به دلیل فعالیت‌های صنفی او صادر شده است.

روز چهارشنبه ۸ شهریور ماه ۱۴۰۲

- کارگران قراردادی شهرداری خاش سه و نیم ماه و کارگران شرکتی این مجموعه پنج ماه است که حقوق نگرفته‌اند. این کارگران نسبت به عدم پرداخت حقوق معوقه‌شان ابراز نارضایتی کردند.

- یک کارگر ۴۳ ساله چاهکن در یزد دچار برق‌گرفتگی شد و جان خود را از دست

تجمعات سراسری بازنشستگان مخابرات و اعتصاب کارگران ماشین سازی اراک شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد



تجمع کرده و شعار فولادی داد بزن، حق تو فریاد بزن را سر دادند. حضور زنان در این تجمع برجسته بود.

اعتراضات بخش های مختلف در سطح سراسری، آنهم در آستانه سالگرد انقلاب نقش مهمی در تحرک مبارزاتی در سطح جامعه دارند. اتحاد مبارزاتی همه بخش های بازنشستگان، اتحاد کارگران شاغل و بازنشسته که یک شعار کلیدی اعتراضات بازنشستگان است و حمایت وسیع مردمی از این مبارزات بسیار مهم و ضروری است.

اتفاق شورانگیز دیگر حمایت مردم از تجمع بزرگ پرستاران و کادر درمانی بیمارستان میلاد در تهران بود. در این حرکت اعتراضی مراجعین به بیمارستان به تجمع کادر درمان پیوستند و در تجمع مردی را می بینیم که خطاب به کادر درمانی معترض میگوید ما شما را حمایت میکنیم. پرستاران و کادر بیمارستان میلاد همچنین دیگر پرستاران و کادر درمانی در سطح سراسری به سطح نازل حقوقها، فشار سنگین کاری، استانداردهای پایین بهداشتی بیمارستانها، اخراج و وضعیت نابسامان کاری و معیشتی شان است. پرستاران و کادر درمان بیمارستان میلاد تهران بعلاوه به عدم پرداخت دستمزد، عدم پرداخت حق بیمه کارکنان و مختل شدن مزایای درمانی کارکنان این بیمارستان معترضند.

تجمع اعتراضی دیگر امروز ششم شهریور ما از سوی کارگران ماشین سازی اراک در اعتراض به شرایط بد معیشتی و کاری خود و عدم رسیدگی به مشکلاتشان در مقابل استانداری استان مرکزی برگزار شد. طبق گزارشات این کارگران حدود یکماه است در اعتصاب و اعتراض به سر میبرند. و آخرین خبر این روز مربوط به تجمع اعتراضی جمعی از کارگران پروژه های مرتبط با نگهداری تجهیزات شهری پروژه ای موسسه رایانه شهرداری تهران در مقابل ساختمان اصلی شرکت کنترل ترافیک تهران در خیابان فاطمی است. این تجمع همزمان با برگزاری جلسه هیئت مدیره این موسسه و در اعتراض به تعویق پرداخت چند ماه حقوق و وضع بد کاری و عدم پاسخگویی مدیران برپا شد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ شهریور ۱۴۰۲، ۲۸ اوت ۲۰۲۳

امروز ششم شهریور بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه های اعتراضی در سطح سراسری مقابل شرکت های مخابرات در شهرهای مختلف تجمع داشتند. بخشهای مختلف بازنشستگان هرکدام معمولاً در یک روز هفته تجمع و اعتراض میکنند. در عین حال با توجه به اینکه تمام بازنشستگان خواستها و اعتراضات مشترکی دارند، یکی از شعارها و تلاشهای بازنشستگان کارزار متحد همه بخشها علیه مفتخوران و چپاولگرانی است که صندوق های بازنشستگی را نیز از دستبرد و غارت بی نصیب نمی گذارند.

شهرهایی که در آنها بازنشستگان مخابرات تجمع کردند عبارتند از: تهران، ساری، سنندج، ایلام، شهر کرد، کرمانشاه، گرگان، اصفهان، شیراز، رشت، ارومیه، بروجرد، تبریز، خرم آباد، اراک و بندرعباس.

در کرمانشاه بازنشستگان با شعارهایی نظیر "دشمن بازنشسته مدیر بی لیاقت" بطرف ساختمان مخابرات حرکت کرده و با فریاد "تا حق خود نگیریم، دوشنبه ها می آیم"، بر تداوم مبارزات خود تاکید کردند. این بازنشستگان با شعار شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد جمعیت میلیونی بازنشستگان و کارگران شاغل را به اعتراض علیه فقر و گرانی و بی تامینی فراخواندند. دیگر شعارهای بازنشستگان در این تجمعات عبارت بودند از: "گرانی تورم بلای جان مردم"، "مخبر حیا کن، آیین نامه را اجرا کن"، "فقط کف خیابون بدست میاد حقمون"، "تا حق خود نگیریم، دوشنبه ها همینه"، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم"، "شرکت پر درآمد چه بر سر تو آمد"، "وعده و وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "نه گرما، نه سرما، نیست جلودار ما"، و "تا حق خود نگیریم هر روز همین بساطه".

اعتراض بازنشستگان به فقر و گرانی و بی تامینی و پاسخ نگرفتن مطالباتشان از جمله عدم اجرای کامل آیین نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی آنهاست. درمان رایگان یک خواست سراسری بازنشستگان است. همانطور که قبلاً گزارش کردیم روز گذشته بازنشستگان تامین اجتماعی تجمع داشتند و بنا بر آخرین خبرها های این تجمعات در شهرهای شوش، کرمانشاه، بابل رشت، دزفول و شوشتر برگزار شد. در اصفهان و البرز غربی نیز روز گذشته تجمع داشتند و طبق آخرین گزارش در اصفهان بیش از هزار بازنشسته فولاد مقابل صندوق بازنشستگی

کارگران در هفته ای که گذشت...

از صفحه ۱۱

- جعفر ابراهیمی معلم زندانی به همراه ده زندانی سیاسی دیگر بدون اعلام قبلی و به اجبار از زندان اوین به زندان قزلحصار منتقل شدند. او سالهاست که درگیر بیماری گوارشی و دیابت است و از اردیبهشت سال گذشته در زندان اوین وضعیت بیماری اش تشدید شده و در حال حاضر به وخیمترین وضعیت خود رسیده است. جعفر ابراهیمی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد و تحت درمان قرار گیرد.

- محمد تقی فلاحی، مسعود زینال زاده، ابولفضل رحیمی شاد، باقری، قریشیان، خانم اسفندیاری و خانم ناظران پور از معلمان تهران بصورت تلفنی به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات احضار شدند. پیگردهای امنیتی باید فوراً متوقف و پرونده های قضایی تشکیل شده برای تمامی فعالین سیاسی مسدود گردد.

شوش، اهواز و کرمانشاه در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته هایشان مجدداً دست به تجمع زدند.

- بازنشستگان صنایع فولاد و معدن در شهرهای تهران و اصفهان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی دست به تجمع زدند.

استعلاجی پس از جراحی سنگ کیسه صفرا بود، روز شنبه ۱۱ شهریور برای تحمل ادامه حبس به زندان لاکان رشت بازگشت. آزادی وی را تبریک میگوئیم. پرونده امنیتی تشکیل شده برای او باید بسته شود.

روزیکشنبه ۱۲ شهریور ماه ۱۴۰۲
- بازنشستگان تامین اجتماعی شهرهای

تجمعات اعتراضی با شکوه معلمان بازنشسته ریسی، قالیباف، این آخرین پیامست، جنبش بازنشسته آماده قیامت



از دیگر شعارهای بازنشستگان کشوری عبارت بودند از: "وزیر بی کفایت استعفا"، "تورم، گرانی بلای جان مردم"، "همسانسازی کجا بود دروغ بود ریا بود"، "نه مجلس، نه دولت، نیستن به فکر ملت"، "ما همه همبسته ایم، از وعده ها خسته ایم"، "بازنشسته بیدار است، از تبعیض بیزار است"، "نه وعده نه بازی، اجرای همسانسازی"، "حقوق نصفه نیمه سکوت کنی همینه"، "معیشت، درمان و رفاه، حق مسلم ماست"، "اجرای همسانسازی، بدون حقه بازی"، "بازنشسته می میرد، ذلت نمی پذیرد"، و "گرانی تورم شکسته پشت مردم".

شعارهای اعتراضی بازنشستگان فریاد رسای اعتراض کل جامعه است. شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد و لشکری، کشوری فولادی تامین اجتماعی اتحاد اتحاد دو شعار کلیدی اعتراضات آنها و فراخوانی به تجمعات بزرگ میلیونی کارگری است. حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از مبارزات بازنشستگان اعلام می دارد و بر اتحاد مبارزاتی بخش های مختلف بازنشستگان که ۲۵ میلیون جمعیت را شام می شوند و اتحاد کارگران شاغل و بازنشسته تاکید دارد. از مبارزات بازنشستگان باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

گفتنی است که امروز هفتم شهریور اعتراضات کارگران ماشین سازی در اراک وارد پانزدهمین روز خود شد. این کارگران با شعار "کارگر داد بزن حقوق فریاد بزن" پیگیر مطالباتشان شدند. اعتراض این کارگران همچون دیگر بخش های کارگری به شرایط بد معیشتی و کاری و عدم پاسخگویی به خواسته هایشان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ مرداد ۱۴۰۲، ۲۲ اوت ۲۰۲۳

روز ۷ شهریور بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته در یکی دیگر از سه شبه های اعتراضی خود در مقابل ساختمان صندوقهای بازنشستگی در شهرهای مختلف تجمع کردند. اعتراض آنان همانند دیگر بخش های بازنشستگان به فقر و گرانی، به اختلاسها و تبعیض و به سرکوبگری های حکومت و ادامه بازداشت معلمان معترض است. در این اعتراضات بازنشستگان با شعار "معلم زندانی آزاد باید گردد" بر آزادی بدون قید و شرط معلمان زندانی تاکید کردند. در این روز بازنشستگان کشوری در شهرهایی چون اردبیل، سنندج، ارومیه، تبریز، پلدختر، کرمانشاه، ایلام، یزد، کوهلشت، خرم آباد، و قزوین تجمع کردند. در تجمع معلمان در اردبیل در این روز یکی از معلمان به اسم غلامرضا اصغری بازداشت شد و تجمع کنندگان با خشم و اعتراض شعار میدادند: "غلامرضا اصغری آزاد باید گردد".

در کرمانشاه جمعیت زیادی شرکت داشتند و حضور زنان چشمگیر بود. در این تجمع یکی از معلمان با شعارهایی چون "معلم بیدار است از زندان بیزار است"، "معلم زندانی آزاد باید گردد" بر عزم معلمان برای مبارزه تاکید کرد و مورد حمایت همه شرکت کنندگان قرار گرفت. در این حرکت اعتراضی بنر بزرگی با شعار "معیشت، منزلت، حق مسم ماست"، توجه ها را بخود جلب میکرد. در یزد بازنشستگان شعار میدادند: یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه و دست نوشته هایی با مضمون خواسته هایشان را در دست داشتند. از جمله تحصیل رایگان، فقط کف خیابان بدست میاد حقمون بر دست نوشته ها می درخشید. در سنندج بازنشستگان شعار میدادند: "تا اخراج، تا زندان، ایستادگی تا پایان!"

لیست پشهادی کینه سازنده برای شادویی شبه نهم ۲۵ شهریور ساگرد انقلاب زن زندگی آزادی

هر شب ساعت ۹

فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی

مرگ بر خامنه ای، مرگ بر دیکتاتور

زن زندگی آزادی، زن ژیان نازادی

ما همه اهل جنگیم، بجنگ تا بجنگیم

از کردستان تا تهران، اتحاد اتحاد

این همه سال جنایت مرگ بر این ولایت

حکومت زن ستیز نابود باید گردد

حکومت ضدزن نابود باید گردد

بترسید بترسید ما همه با هم هستیم

مرگ بر حکومت اسلامی

جمهوری اسلامی نابود باید گردد

حکومت کودک کش نابود باید گردد

یاشاسین کردستان، بژی آذربایجان

انقلاب، اعتراض، اعتصاب، اتحاد

حکومت اعدای نابود باید گردد

کرد، بلوچ، آذری، آزادی برابری

سپاهی بسیجی نیروی انتظامی داعش ما شمایی

زندانی سیاسی آزادی باید گردد

اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد

اعتراض، اتحاد، علیه فقر و فساد

امروز ۱۲ شهریور بازنشستگان تامین اجتماعی در ادامه یکشنبه های اعتراض خود در چندین شهر به خیابان آمدند و با فریاد شعارهایشان صدای خشم و اعتراضشان را بلند کردند. اعتراض این بازنشستگان به سطح نازل حقوقها و وضع اسفبار معیشتی شان و پاسخ نگرفتن اعتراضات هرروزه شان است. در این روز بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای شوش، اهواز، کرمانشاه و شوشتر تجمع داشتند

در شوش بازنشستگان از شهرهای هفت تپه، کرخه و شوش جمع شده بودند و با فریاد شعارهایشان مثل هفته های گذشته بارهپیمایی خود فضای پرشوری از اعتراض ایجاد کردند. در اهواز نیز بازنشستگان تجمع و راهپیمایی داشتند.

در این روز بازنشستگان فولاد در اصفهان و تهران مثل یکشنبه های قبل و همزمان با بازنشستگان تامین اجتماعی به گرانی و تورم و برای پیگیری خواستههای پاسخ نگرفته خود مقابل صندوق بازنشستگی تجمع داشتند. درمان رایگان، همسانسازی حقوقها و افزایش سطح آنها، پرداخت معوقات سال ۱۴۰۰ از جمله خواستههای فوری آنهاست. در اصفهان بازنشستگان فولاد در خیابان نشاط تجمع داشتند و شعار میدادند: "حسین حسین شاعرشون، دروغ و دزدی کارشان"، و "فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون"، "دولت سرسپرده گرانی را آورده"، و "خط فقر سی میلیون حقوق ما هفت میلیون".

در این اعتراضات بازنشستگان از جمله شعار میدادند: "فقط کف خیابان بدست میاد حقمون"، "تا حقمون نگیریم از پا نمی نشینیم"، "تورم دلاریه حقوق ما ریالیه"، "سفره بی نان ما چه میکند با جان ما"، "نگ ما، نک ما صدا و سیمای ما"، "گرانی تورم بلای جان مردم"، "تامین اجتماعی چه نام اشتباهی"، "تامین رو غارت کردند، ما را بیچاره کردند"، "توبت ما که میشه، خزانه خالی میشه"، "نابود باد بندگی، زنده باد زندگی!"، "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه"، "نه مجلس نه دولت نیستند به فکر ملت"، "نه گرم نه بارون نیست جلودارمون!"، "اعتراض، اتحاد، علیه فقر و فساد"، "آقا زاده آمریکاست، فرزند ما آس و پاس"، "دولت ورشکسته پشت ما را شکسته"، "با این حقوق ناچیز، جانها به لب رسیده"، "تورم اسفبار حاکم شده بر بازار"، "ما میگیم حقوق کمه، قیمت نان گران میشه"، "بازنشسته به پا خیز، علیه فقر و تبعیض"، و "اختلاس، تورم، بلای جان مردم".

شعارهای بازنشستگان علیه فقر و بندگی، تبعیض و نابرابری، اختلاسها و دزدیها و تاکیدی بر تداوم اعتراضات است. "لشکری، کشوری، تامین اجتماعی، اتحاد اتحاد" یک بنر برجسته در تجمع اعتراضی بازنشستگان کرمانشاه بود. این شعار بر اتحاد میلیونی بخش های مختلف بازنشستگان تاکید دارد.

شعار "اعتراض، اتحاد، علیه فقر و فساد" صدای اعتراض همه مردم در آستانه سالگرد انقلاب است. از خواستها و مبارزات بازنشستگان وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۲ شهریور ۱۴۰۲، ۳ سپتامبر ۲۰۲۳

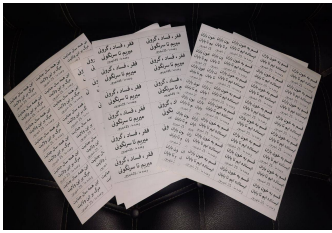


نوروز صادقی: در نفت چه میگذرد

اعتصابات کارگری در نفت وسیع است. و این چیزی است که حکومت از آن بشدت وحشت دارد. از همین رو هرچه به تاریخ سالگرد مهسا و انقلاب زن زندگی آزادی، نزدیکتر می شویم عملاً سرعت اینترنت که اصلی ترین ابزار ارتباط همگانی برای انسجام و اتحاد عمومی است، کاهش پیدا می کند. حتی خطوط مخابراتی هم دچار اختلال میشوند در حدی که ارتباطات تلفنی و مسیج هم مشکل میشود. دستپاچگی رژیم تا حدی است که این کاهش سرعت اینترنت و اختلال شبکه ای را به قیمت بهم ریختگی سیستم بانکی کشور و سیستم شبکه ای داخلی ارتباطی اداری (مانند سیستم ایمیل و پست الکترونیک داخلی نفت) به جان میخورد. کارگران هم میدانند موضوع از چه قرار است. و با پوزش بگویم که در میان کارگران نفتی عسلویه باب هست که وقتی سرعت اینترنت کاهش پیدا میکند رو به همدیگر میگویند: "احتمالاً یک «خری» آمده به منطقه!". و طبعاً منظور از "خر" نیز فردی از سران حکومت است. یا میگویند: "احتمالاً آقا سقط شد!". یا اینکه: "احتمالاً در جایی سروصدا بالا گرفته است که اشاره شان به تحرکات خیابانی یا اعتصابات کارگری است. و این فضای جا افتاده در مراکز نفتی بخصوص بعد از خیزش سرنگونی اخیر است. بطوریکه با هر اختلال شبکه ای اینترنتی رژیم مجبور به توضیح میشود و از طریق رسانه ها اعلام میکند که دلیل اختلال در شبکه، فلان مسئله بوده است. معنی این خبر نیز برای عموم این است که رژیم دارد وانمود میکند که "اخلال" در شبکه است و جایی خبری نیست!...البته اقدامات رژیم به کاهش سرعت اینترنت ختم نمی شود، افزایش پستهای انتظامی و بسیج و گشت های روزانه و شبانه نیز در این ایام بسیار ملموس است. و همه میدانیم که دغدغه رژیم برای ماندن در یکسال و یک ماه دیگر نیست، بلکه

فضای کارگران نفت مصداق واقعی آتش زیر خاکستر است. همکاران رسمی و پیمانی نفت قبلاً طی بیانیه هایی اولتیماتوهایی داده بودند اما در مورد خواستههایشان هیچگونه پاسخی نگرفته اند و این جو را بشدت ملتهب کرده است. اما اوضاع برای کارگران مستمر غیر رسمی نفت بکلی فرق دارد. وعده حذف پیمانکاران تامین نیروی انسانی نفت که نمایشی تبلیغاتی بیش نیست، با وجود رأی آوردن کلیاتش در صحن علنی مجلس، در پیچ و خم شورای نگهبان جهت تطبیق با قانون به شورای مصلحت نظام رفت. در آنجا نیز ضمن اشاره به بار مالی استخدام مستقیم کارگران مشمول این مصوبه، مغایر با اصل ۴۴ قانون اساسی تشخیص داده شد. اصل ۴۴ نیز اشاره اش به کوچک نمودن بخش دولتی و واگذاری امور در سطح کلان به بخش خصوصی است که قطعاً با این تفسیر استخدام دولتی چندین هزار کارگر نفتی و حذف پیمانکاران بخش خصوصی، طبق تعریف مغایر با قوانین بوده و منتهی است. حال در نظر بگیرید رد موضوعیت این اصلی ترین خواسته کارگران غیر رسمی مستمر نفت که بعضاً تا ۲۰ سال سابقه کار در زیر مجموعه نفت را دارند، چه التهایی را ایجاد نموده و کارگر را در چه شرایطی قرار داده است.

در این رابطه شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) واکنش نشان داد و با درج خبر نقش مخرب عوامل سازشکار به اسم اتحادیه صنفی کارگری و زیر ساختهای قانونی که تماماً در خدمت صاحبان کار و تعرض هر روز بیشتر به کارگران هستند را بر ملا کرد. در متن چنین شرایطی از خشم و اعتراض است که اخیراً رئیسی به عسلویه سفر کرد. بدون اینکه کوچکترین رویی به کارگران نشان دهد. مجموعه این شرایط دست در دست هم داده و اکنون زمزمه برپایی



خیزند و با ایجاد صف مستقل و پیشرو و با شرکت در پیکار سیاسی، برای رهایی خود و دیگر زحمتکشان و توده های ستمدیده وارد میدان شوند.

آری رژیم سرمایه داری اسلامی به رغم کشتار و اعدام صدها جوان، زن و مرد

آزاده و زندانی کردن ده ها هزار نفر معترض بجان آمده، نتوانست که به طور کامل بر اوضاع کشور مسلط شود. افزون بر اینها مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی نیز در این یک سال وضعیتی بحرانی تر پیدا کرده است. بنابراین به جرأت می توان مدعی شد که زمینه برای انواع جنبش های اجتماعی در حال قوام گرفتن و مهیا شدن است و برای رشد و اعتلای جنبش و فعلیت بخشیدن به نیروهای بالقوه تحول و تغییر انقلابی، آنچه مورد نیاز است عبارت است از: بسط آگاهی و ایجاد تشکل، جرأت و جسارت همراه با تدبیر و دوراندیشی و همبستگی و اتحاد با اعتراضات بحق گوناگون در سراسر کشور. تنها با چنین راهبرد و چنین راهکاری است که شیفته عمر نظام حاکم به سنگ خواهد خورد و پرتو آزادی از ورای ابرهای تیره، دیوارهای بلند و پرده های مانعی که نظام حاکم در مقابل آن ایجاد کرده، فروغ شادی بخش و زندگی آفرین خود را خواهد افشاند.

باید توجه داشت که علاوه بر شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ای که پیش از این منجر به اعتراضات و خیزش های اجتماعی گردیدند و هم اکنون به قوت خود باقی هستند، سیاست های رژیم هر روزه مشکلات و مسائل جدیدی در برابر مردم ایجاد می کنند که اوضاع را پیچیده تر و غیر قابل تحمل تر می نمایند. تلاش های داخلی و بین المللی رژیم که روز و شب آنها را با بوق و کرنا و بدون وقفه، از دستگاه های تبلیغاتی خود پخش می کند، صرفاً اقداماتی برای نجات طبقه حاکم و تداوم سلطه او هستند و هیچ بهبودی در شرایط زندگی توده های مردم ایجاد نخواهند کرد. بهبود رفاه مردم در گرو آزادی از شرایط ستم و استثمار حاکم در ایران است.

بنابراین برای موفقیت در تغییر بنیادی جامعه و ساختار سیاسی نیازمند آن هستیم که صفوف خود را بازآرایی و همبستگی و اتحاد میان خود را تقویت کنیم. از همین رو ما با اتحاد و همدلی با یکدیگر و تمام توده های زیر ستم در کشور، فشارهای امنیتی و صدور احکام علیه معلمان، فعالان کارگری، دانشجویان و زنان به ویژه زندانی کردن زنان و مردان فعال سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، مدنی و اقلیت های مذهبی را محکوم می کنیم و باور داریم که تنها راه مقابله با حملات حاکمیت، بسط آگاهی، تشکل یابی و سازماندهی، اتحاد و گسترش مبارزه در همه عرصه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بویژه سیاسی است. ۹ شهریور ۱۴۰۲

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، گروه اتحاد بازنشستگان، کارگران بازنشسته خوزستان برگرفته از مدیای اجتماعی

تداوم پیروزمند جنبش های انقلابی در گرو اتحاد و سازمان یابی است!

در شهریور ماه ۱۴۰۱ حماسه بزرگی برای مردم زحمتکش ایران رقم خورد. ما آن روزهای بزرگ را گرامی می داریم. زنده می داریم یاد دختران و پسران جوان، زنان و مردانی که برای خواست ها و حقوق سرکوب شده خود، مبارزه با ستم سرمایه داری و استبداد دینی را استمرار بخشیدند. همچنین یاد و خاطره مهسا (ژینا امینی) و خیزش انقلابی زن زندگی آزادی را فراموش نمی کنیم. جنبش «زن، زندگی، آزادی» خیزشی انقلابی بود که روبنای سیاسی، حقوقی و فرهنگی رژیم را به طور رادیکال به چالش کشاند و به راستی بر بستر شرایطی شکل گرفت که در تداوم جنبش های اعتراضی پیشین به ویژه جنبش اعتراضی ۹۶، ۹۸ و اعتراضات سال ۱۴۰۰ فصل نوبتی از فعالیت ها و اعتراضات را علیه حاکمیت ستم و سرکوب، زنده کرد و تکامل بخشید.

خیزش «زن زندگی آزادی» (نابرابری جنسیتی و ملیتی را در همه جای کشور به ویژه در رابطه با کردستان و بلوچستان به طور کامل برای مردم ایران آشکار ساخت و نشان داد که این ستم ها با ماهیت نظام حاکم در هم آمیخته است و باید گفت با استثمار طبقه کارگر در ایران در هم تنیده است. این خیزش انقلابی خواست ها و شعارهایی را مطرح کرد که تحقق آنها با نفی شرایط موجود امکان پذیر است. آن خواست ها و شعارها برخاسته از واقعیات زندگی مردم زیر ستم و استثمار بود و هست. شعارهای توده های معترض در واقع انعکاسی از درد رنج اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ای بود که محصول حاکمیت مفت خواران، غارتگران و آدم کشان سرمایه دار و دیوان سالاران و صاحب منصبان انتظامی، امنیتی و نظامی در هر شکل و لباسی است. ستم، سرکوب، تحقیر و اختناق که اکثریت بالای ۹۵ درصدی ساکنان کشور و بویژه زنان جامعه ایران را در تمام عرصه های زندگی آماج یورش ارتجاعی و ویرانگر خود قرار داده است. از این رو طبیعی است که توده های وسیع زن و مرد، بویژه جوانان و روشنفکران آزادیخواه و کارگران و زحمتکشان وارد مبارزه سیاسی با نظام حاکم و سلطه نکتت بار او گردند و با شرکت وسیع و مستقل خود در این عرصه، پیکره اصلی چنین تلاش آزادی بخشی و دوران سازی را تشکیل دهند.

با آنکه حاکمیت با همه سرکوبگری ها، کشتارها، بگیر و ببندها، فریبکاری ها و دسیسه های کوشیده و می کوشد که جنبش های اعتراضی و حق طلبانه توده های مردم را کاملاً درهم بشکند، اما به هیچ وجه موفق به این کار نگردیده و نخواهد گردید. زیرا نه تنها زنان، بویژه زنان جوان، میدان مبارزه را خالی نکردند، بلکه جنبش دانشجویان و دانش آموزان و جنبش کارگری، دهقانان و بازنشستگان به حرکت رو به رشد خود ادامه می دهند و چه بسا در هفته ها و ماه های آینده، شاهد برآمدی در جنبش اعتراضی و پیوستن بخش های وسیع تری از معلمان، دانش آموزان، دانشجویان، زنان، کارگران و روشنفکران به مبارزه باشیم. همچنین زمان آن فرا رسیده است که توده های میلیونی کارگران - که واقعاً کارد به استخوانشان رسیده - به پا

تجمع کارگران زغال سنگ طبس و یک خبر دیگر

۷ شهریور کارگران کارخانه "زغال سنگ پرورده" ی طبس در اعتراض به سطح نازل حقوقها و وضع اسفناک کاری و معیشتی خود مقابل استانداری تجمع کردند. در این روز همچنین در نتیجه سوخت ضایعات، در مخزن ۵۰۴ پی وی سی در پتروشیمی غدیر در منطقه ویژه اقتصادی انفجاری روی داد که از صدمات انسانی آن خبری منتشر نشده است. این اتفاق نمونه دیگری از عدم ایمنی محیطهای کاری در مراکز نفتی است. یک خواست اعتراضی کارگران نفت ایمن شدن فوری محیط کار و بکارگیری تجهیزات لازم ایمنی با بالا ترین استاندارد است.

در نفت چه میگذرد...

از صفحه ۱۴

بساط پیمانکاران مفتخور و بهبود شرایط معیشتی و کاری آنهاست. و این خواستی سراسری است. گران تر شدن هر روز بیشتر قیمت ها و کاهش قدرت خرید کارگران و مشکلات کاری دیگر و وضع وخیم کمپ ها بشدت فضا را اعتراضی کرده است. بدین گونه است که نفت آبستن اعتصابات بزرگی است. اعتصابات که میتواند تحول ساز باشد. زنده باد اعتصاب

برای ماندن در همین روز و همین ساعت است. این را میتوان از اقدامات امنیتی و دست به کار شدنهای ارگانهای امنیتی حکومت فهمید. این فضایی از وضع و حال نفت در دل فضای پر التهاب جامعه است. یک خواست فوری کارگران در نفت برچیده شدن

(NUPGE) یکی از بزرگترین اتحادیه های کارگری کانادا حکومت اسلامی را محکوم کرد



و حقوق بشر نیز گسترش یافته است. این اعتراضات نیز با سرکوب و خشونت حکومت مواجه شده است. فعالین تهدید یا بازداشت شده اند زیرا از حقوق کارگران و شرایط کاری منصفانه و شایسته برای کارگران دفاع می کنند.

NUPGE با مدافعان حقوق بشر و جنبش "زن، زندگی، آزادی" در ایران ابراز همبستگی می کند. من از دولت شما می خواهم که نقض مداوم حقوق بشر و بدتر شدن آنرا محکوم کند. این مهم است که جامعه بین المللی همچنان به این وضعیت توجه نماید. بعلاوه من از شما می خواهم برای حمایت از جنبش های مردمی در ایران گام بردارید و اطمینان حاصل کنید که فشارهایی که به رژیم ایران وارد میشود مثلاً تحریم ها باعث وخیم تر شدن اوضاع حقوق بشر نشود.

با تشکر از توجه شما به این موضوع.

ارادتمند، برت بلندون، رئیس اتحادیه کارگران دولتی و عمومی کانادا
رونوشت به جیسون مک لین، منشی - خزانه دار (NUPGE)

۳۰ اوت ۲۰۲۳

لینک به متن ارژینال نامه

<https://free-them-now.com/2023/09/03/nupgeone-of-the-canadas-largest-labor-unions-condemned-the-islamic-regime-of-iran>
برگرفته از مدیای اجتماعی

مرگ دستکم شش کارگر در انفجار معدن طوزه

شب ۱۲ شهریور و در حادثه انفجار در معدن زغال سنگ طوزه دامغان دست کم ۶ کارگر محبوس در آن جان خود را از دادند. شش کارگر که قربانی ناامنی محیط کار بخاطر سود جویی های سرمایه داری مفتخور شده اند. علت وقوع انفجار در معدن «تجمع گاز» اعلام شده است. با وقوع این اتفاق محمد جعفر عبدالهی، رئیس کل دادگستری استان سمنان سراسیمه از توقف فعالیت های معدن طوزه دامغان خبر داده است. صولت مرتضوی، وزیر کار هم "به منظور بررسی ابعاد حادثه معدن زغال سنگ طوزه وارد دامغان" شده است. بعد از چنین فاجعه انسانی ای همگی به دست و پا افتاده اند. کارگران میگویند با حفظ حداقل ایمنی کار، الان زنده این شش کارگر زنده بودند. بودند و مرگشان بجز قتل سیستماتیک نیست

به بازماندگان معدن چیان و همگان تسلیت میگوییم. و ننگ بر مسئولین که نیروی کار را ابزار می دانند و جمع آوری ثروت های کلان برای خود. شورای بازنشستگان ایران ضمن درج این خبر مینویسد: "عزیزانمان فدای سود مدیران حکومتی شدند. باید دادگاهی شوند. باید پاسخ بدهند به مردم! باید زیر و رو بشود این اوضاع."

با تماس مسعود ارژنگ از فعالین فری دم ناو (کمپین برای آزادی کارگران در ایران) برت ملاندن رئیس اتحادیه سراسری کارگران خدمات عمومی و دولتی کانادا که ۴۲۵ هزار کارگر را در بر میگیرد طی نامه ای به وزیر امور خارجه کانادا سرکوبگریهای حکومت اسلامی را محکوم کرد و از دولت کانادا خواست نسبت به سیاستهای سرکوبگرانه حکومت اسلامی بی تفاوت نماند آنرا محکوم کند. متن نامه برت ملاندن ضمیمه است.

اتحادیه (NUPGE) قبلاً نیز در کنفرانس خود خواستار اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار شده بود. کمپین برای آزادی کارگران زندانی به فعالیت خود برای رساندن صدای کارگران ایران به کارگران جهان ادامه می دهد و همه کارگران را به مقابله با حکومت اسلامی فرا می خواند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران

<https://free-them-now.com/>

shahla.daneshfar2@gmail.com

۲ اوت ۲۰۲۳

ضمیمه:

به وزیر امور خارجه ملانی جولی

جناب وزیر

من از طرف اتحادیه سراسری کارکنان عمومی و دولتی کانادا (NUPGE) که نماینده بیش از ۴۲۵۰۰۰ کارگر در سراسر کشور است، در رابطه با وخامت اوضاع حقوق بشر در ایران این نامه را به شما می نویسم.

پاییز گذشته، NUPGE به جمع بسیاری دیگر پیوست که خواستار عدالت برای مهسا امینی شدند. ما با تظاهرات و اعتراضات تحت رهبری زنان در ایران که خواستار پایان دادن به نقض حقوق بشر، از جمله سرکوب حقوق زنان بودند، ابراز همبستگی کردیم.

علیرغم تظاهرات گسترده مردم ایران که توجه و حمایت وسیع بین المللی را به خود جلب کرد، دولت ایران اخیراً تلاش های خود را برای اجرای قوانین اجباری حجاب، از جمله از طریق تکنیک های نظارت، دو چندان کرده است. گزارش اخیر عفو بین الملل نشان می دهد که چگونه حکومت ایران در حال تشدید سرکوب زنان و دخترانی است که بی حجابی را انتخاب می کنند.

لایحه جدیدی که بهار امسال تصویب شد، این وضعیت سرکوب را تشدید خواهد کرد. زنان و دخترانی که حجاب ندارند یا به شیوه های مورد تایید (حکومت) در مورد حجاب تن نمی دهند، مشمول مجازات های مختلفی قرار خواهند گرفت. این موارد از جمله شامل محرومیت از دسترسی به خدمات ضروری، اخراج از کار، کسر حقوق و مزایا، جریمه نقدی و زندان است. این لایحه آشکاراً قانونی کردن نقض آشکار حقوق زنان می باشد.

NUPGE به شدت نگران این تحولات است. تحولات اخیر به وضعیت شرم آور نقض حقوق بشر توسط دولت ایران اضافه میشود و باعث محکومیت این حکومت توسط کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل شده است.

در سال های اخیر، اعتصابات کارگری و اعتراضات در زمینه دستمزد، شرایط کار

Islamic Regime of Iran out of ILO